

گازنامه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی

ناعم

شماره پنجم / بهمن ماه هزار و سیصد و نود و نهم

اطلاعات

ان الله لا يغير ما بقوه حتى يغيره واما بانفسهم

خداوند وضع هیچ ملتی را عوض نمی کند تا که خودشان تغییری در خود ایجاد کنند.

شهید مطهری: هر فسادی، مقدمه شکست و بدبختی است و هر تجدید نظر اصلاحی، رحمت خدا را تجدید می کند.

کیمیا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. / قسمتی از نامه امام زمان به شیخ مفید
۲. / مدیر مسئول
۳. / شیوه های تبلیغ
۵. / دسته گل بندان
۶. / امیر ناب / مرجع تقلید
۷. / ما با ولایت زنده ایم
۹. / دلایل اصلی بودن مساله فلسطین از نگاه رهبری
۱۰. / تیر سه شعبه / رهبری (چفیه)
۱۱. / یگانه روزگار
۱۲. / استرس چیست؟
۱۳. / زنگ احکام
۱۴. / مناظره شیعه و سنی
۱۵. / روش تقویت اراده
۱۷. / دستور العمل حاج آقا تهرانی
۱۸. / روایت سیره شهداء
۱۹. / برگی از نهج البلاغه
۲۰. / آخرین دعای حضرت فاطمه (سلام الله علیها)
۲۱. / ۱۲ بهمن به روایتی دیگر
۲۳. / نمادهای دوران انقلاب اسلامی
۲۴. / امر به معروف و نهی از منکر
۲۷. / تغذیه کودک
۲۸. / آشپزی
۲۹. / احادیث سلامتی
۳۰. / آیا می دانستید...
۳۱. / سلام بر ابراهیم حنظله دوران
۳۲. / چرا طلبه شدم؟؟؟
۳۳. / ره نمایی بزرگان
۳۴. / تا پاکیزه نباشید، پاکیزه نمی دهند
۳۵. / توصیه هایی ارزشمند برای زوجین
۳۷. / چگونه برای امام عصر دعا کنیم؟
۳۹. / رهنمودهای ناب



گاهنامه ۵

اجتماعی، سیاسی، فرهنگی



صاحب امتیاز : مدرسه علمیه الزهراء کازرون

مدیر مسئول : سمیه کشاورز

سر دبیر : ملیحه عوض زاده

صفحه آرای : فاطمه عزمی

طرح جلد : محدثه دریاب

قیمت : ۲۰۰۰ تومان

نشانی : کازرون، خ شریعتی شمالی،

مدرسه علمیه الزهراء کازرون

تلفن : ۰۷۱-۴۲۲۲۱۲۲۹

با تشکر ویژه از مدیریت محترم مدرسه سرکار خانم حسینی به دلیل حمایت های بی دریغ شان و نیز همه ی عزیزانی که در تهیه مطالب ما را یاری نمودند، لکن نامی از آنها برده نشده است.
خانم ها: مریم سرکار قلعه سیدی، انسیه مبصری، زهرا یزدان خواه، شهناز ازدری و مرضیه دهقان

✓ ناعمه ، آماده دریافت مطالب و تصاویر زیبای شماست.

✓ ناعمه ، امیدوار است رضایت شما را جلب کرده باشد.

✓ ناعمه ، منتظر انتقادات و پیشنهادات شماست.

مرتب به خود بگویند کارهای دنیا درست می شود، آن را به شوخی و بازی بگیرند، اما خوب بازی کنید.

انما الحیوه الدنیا لعب: زندگی دنیا منحصر بازی است.

حاج اسماعیل دولابی



رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی):

فرهنگ بستر اصلی حرکت عمومی، سیاسی و علمی کشور است

ما فرهنگ را بستر اصلی زندگی انسان می دانیم، نه فقط بستر اصلی درس خواندن و علم آموختن، فرهنگ هر کشور، بستر اصلی حرکت عمومی آن کشور است. حرکت سیاسی و علمی اش هم در بستر فرهنگی است. فرهنگ، یعنی خلیقات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت، تفکراتش، ایمانش، آرمان هایش، اینها تشکیل دهنده فرهنگ یک کشور است. این هاست که یک ملت را یا شجاع و غیور و جسور و مستقل می کند، یا سرافکنده و ذلیل و فرودست و خاک نشین و فقیر می کند. فرهنگ عنصر خیلی مهمی است. ما نمی توانیم از فرهنگ و رشد فرهنگی و پرورش فرهنگی صرف نظر کنیم. فرهنگ هم مثل علم است. فرهنگ هم گیاه خودرو نیست همه آنچه شما از نشانه ها و مظاهر فرهنگی در جامعه خودتان و در هر نقطه ای از دنیا می بینید، بدون تردید این بذرها دستی افشاندن است. البته انسان بعضی از دست ها را می بیند، اما بعضی از دست ها را نمی بیند، از داخل خانه، تا درون مدرسه، تافضای خیابان، تا رادیو و تلویزیون، تا ماهواره، تا تبلیغات جهانی، تا اینترنت، و از این قبیل چیزها. فرهنگ، هدایت، و پرورش دادن می خواهد. بنابراین کار فرهنگی بسیار مهم است.

قسمتی از نامه امام زمان به شیخ مفید:

... گرچه ما براساس اراده خداوندی درجایی سکونت داریم که دست ستمگران به ما نمی رسد و این به صلاح شیعیان است اما درعین حال ما در همه حالات بر احوالات شما ناظریم و از امورتان اطلاع لازم داریم. ما اطلاع داریم که برخی شیعیان برخلاف گذشتگان دچار لغزش هایی شده و به انجام وظایف هایی که گذشتگان از آن دوری میکردند، گرایش نشان می دهند و به پیمانی که از آنان گرفته شده است، وفادار نمانده اند، گویا نمی دانند که ما ناظر بر اعمال شما هستیم و شما را رها نکرده ایم و فراموش ننموده ایم و اگر تحت رعایت و حمایت ما نبودید از هر طرف دشمن بر شما هجوم می آورد و همه شما را از بین می برد.

پس تقوای الهی پیشه کنید و برگرفتاری هایی که بر شمارو آورده است، از ما راه فرار ازفتنه را بجویند هر شخصی باید کاری انجام دهد که باعث تقرب او به ما گردد و از انجام کارهایی که باعث ناخشنودی و غضب ما می گردد، دوری کند زیرا امر ظهور ما ناگهانی و بدون زمان از پیش تعیین شده فرا می رسد و آن هم، زمانی است که توبه دردی از جنایتکاران دوا نمی کند و راه گریز از مجازات های ما را ندارند. خداوند راه رسیدن به کمال رشد را به تو الهام کند و به رحمت خودش توفیق را رفیقت سازد...

حق استاد

امام سجاد علیه السلام می فرماید: حق استاد تو این است که به او احترام گذاری، محضرش را موقر داری، با دقت به سخنانش گوش بسپاری رویت به او باشد و به او توجه نمایی. صداقت را بر او بلند کنی. هرگاه کسی از او سوآلی کند توجواب ندهی، بلکه بگذاری خودش جواب دهد. اگر پیش از تو از او بدگویی شود از وی دفاع کنی، عیب هایش را پوشانی، خوبی ها و صفت نیکش را آشکار کنی.

(من لا یحضر الفقیه ج ۲، ص ۶۲۰)

مدیر مسئول

ای همه دردهای ما، درمان از تو نمی خواهیم، که درد تنها سرمایه ما در این آشفتنه بازار است. درد تو را به هیچ درمان ندهیم و یک تارموی تو را به هردو عالم ندهیم.

ای سودمندترین سودای دل

ما را نفرستاده اند که بازار نان و دوغ را از این گرمتر کنیم، ما به طلبکاری آن صورت گندم گون آمده ایم و جزاین مطلب و آن مطلوب نمی شناسیم، اگر از اقلیم وجود، این همه راه آمده ایم، خط سبز تو را برنامه دعوت دیده ایم، اگر ازل را به ابد دوخته ایم،

میان آن دو تو را

به تماشا نشسته

ایم.

ای شکوهمند

ترین قله رجا

و چه زیبا نام

تو را به نام

فردا آذین

بسته اند، چرا

که فردا قاب

نقره نامی

است که

عکس تو را

در آغوش دارد

می بوسد و

می بوید و

می گرید.

و ما میان حضور

و ظهور تو

سرگردانیم،

ندانیم کدام را از

تو خواستار

باشیم، حضور را

که کابین آن از خود غائب شدن است یا ظهور را.



Today

10:36

فوریه 20

من گناه میکنم و تو جورش را میکشی..
سندش؟

طولانی شدن "غیبت" ...

اللهم عجل لولیک الفرج...

رسانه هایی در خارج برای جوانان برنامه های فاسد و مبتذل تولید می کنند. دشمن برای تباہ کردن و ضایع نمودن جوانان، با دو عامل فساد اخلاقی و اعتیاد وارد میدان می شود.

مقام معظم رهبری

شیوه های تبلیغ

تبلیغ به معنای رساندن پیام به مردم است و یکی از وظایف مهم انبیاء و پس از ایشان، ائمه اطهار علیه السلام بوده است، که پس از آن حوزه های علمیه و روحانیت معظم در طول تاریخ میراث دار این وظیفه بزرگ بوده اند. روحانیت در راه انجام این رسالت مهم سختی ها و مشکلات زیادی را در زمینه های مختلف اعم از اجتماعی و سیاسی تحمل کرده و در برابر حکومت های جبار زمانه در راه نشر آموزه های دینی ایستادگی کرده است.

نظام های سلطه گر و حتی ادیان و مذاهب نو ظهور، با بهره گیری از وسایل و تجهیزات مدرن تبلیغی، سعی بر این دارند تا عقاید و افکار خرافی و منحرف خویش را به دیگران انتقال داده و از نیاز شدید انسان ها به معنویات سوء استفاده نموده و به نشر افکار خود بپردازند و زمینه انحراف و گمراهی انسان های ناآگاه را فراهم نمایند. از این رو مسئولیت طلاب بعنوان متخصص در دین اسلام برای ترویج این دین مبین والهی در بین تمام اقشار جامعه روشن می گردد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در زمینه اهمیت این امر می فرماید: من اذى الی اُمتی حدیثاً یقیمُ به سنه او یثلمُ به بدعه فلهُ الجنه. هر کس حدیثی را به اتمم برساند که با آن سنتی را برپا دارد یا بدعتی را درهم شکند، بهشت از آن او خواهد بود (ملانوری، ص ۳۴، روش سخنرانی دینی).

اهداف تبلیغ:

اولین هدف از تبلیغ تزکیه و تعلیم است از دیگر اهداف، خارج ساختن مردم از ظلمت به سوی روشنایی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی مبعوث شدند که مردم در فتنه ها وهوی و هوس به سر می بردند. در این حالت رسالت تبلیغ دین برعهده ایشان نهاده شد. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: هنگامی که خود بزرگ بینی و تکبر، مردم را به لغزش کشانده بود و نادانی های جهالت پست و خوارشان کرده بود، پیامبر صلی الله علیه و آله، در نصیحت و خیرخواهی نهایت تلاش را کردند. و آنها را به راه راست راهنمایی و به سوی خدا دعوت فرمودند. (دشتی، ص ۱۷۹، شرح نهج البلاغه).

مبلغ باید از تبلیغ خود برای آشنایی افراد جامعه با احکام اسلام استفاده کند، زیرا هدف از تبلیغ، گسترش دین اسلام است و با عدم آگاهی مردم این امر صورت نمی پذیرد، و این عدم آگاهی باعث می شود که مسائل مهم اسلامی در میان مردم، مساجد، مدارس، ادارات و کل جلسه کم رنگ شده و گرایش اقشار جامعه به دین اسلام کمتر شود. در این میان مبلغین برای گسترش این دین الهی باید به میان رفته و نیازهای آنها را بشناسند و آنها را برطرف نمایند، مناطق محروم از جمله این مناطق است. نیاز شدید انسان هایی که در این گونه مناطق زندگی می کنند بیشتر است زیرا که از کمترین لوازم ارتباطی برخوردارند.

حضور مبلغین و آموزش احکام دین باعث آشنایی این قشر از جامعه می شود. حتی در جامعه های شهری نیز این نیاز دیده می شود. اکنون که شبکه های تلویزیونی کشور جای خود را به ماهواره داده اند و باعث رواج فساد و هرگونه بی بند وباری در جامعه شده اند، مبلغین باید بیشتر از گذشته در میان مردم به فعالیت خود بپردازند. همان طور که یک مبلغ در مساجد و در میان مردم مسائل را مطرح می کند خود به خود باعث گسترش معارف اسلامی می شود. «نشر معارف قرآن، تقویت روح تقوا، ایجاد انگیزه دفاع از ارزشهای اسلامی، شبه زدایی در زمینه احکام و قوانین الهی، نزدیک کردن مردم به قرآن و مسجد و حل گره های روحی و روانی در میان امت از مهم ترین خدماتی است که مبلغین دین، پرچم دار آن هستند».

از دیگر اهداف حضور مبلغین در جامعه، پاسخ به شبهات افراد در زمینه احکام، عقاید و قوانین اسلام است. مبلغ هنگامی که توانست در میان مردم پیدا کند و با آنها تعامل داشته باشد، شبهات را نیز در می یابد و می تواند به حل آنها بپردازد. این هدف نتیجه دیگری نیز در پی دارد، اینکه باعث جلوگیری از رواج فرقه ها و مذاهب انحرافی دیگر می شود. امروزه جامعه شاهد حضور فرق و مذاهب مختلف می باشد و چون به اصطلاح خود با هدف گسترش معنویت و عدالت در میان جوامع عمل کرده اند، باعث پررنگ

شدن حضور خود در جامعه شده اند. این مذاهب با ناتوان جلوه دادن دین اسلام در رفع نیازهای مادی و معنوی جوامع بشری، به نفوذ خود ادامه می دهند.

"انکار اساس نزول قرآن، تحریف علوم و معارف اسلامی، تحریف سیمای ملکوتی و نشانه های رسالت پیامبر، استفاده از عدم آگاهی افراد نسبت به دین اسلام، تحریف سیمای روحانیون، تضعیف درک مسلمین نسبت به قوانین اسلام و نفوذ در مدارس و مطبوعات، از جمله شیوه های نفوذ این ادیان و مذاهب، در جامعه است." (میرزایی مقدم، داود، روند تبلیغ، ص ۵۷)

در این میان هر مبلغ باید بداند این مذاهب چه فعالیت هایی دارند، اطلاع و آگاهی از این فعالیتها، سبب حضور بیشتر مبلغ در میان جامعه و در نتیجه موفقیت در هدایت جامعه می شود.

"نقد صهیونیسم جهانی، نقد وهابیت و بهائیت و شیطان پرستی بعنوان مثلث صهیونیستی، بخشی از نیازهای امروز و وظایف مبلغین اسلام است. پیوند دادن نسل امروز با امام عصر و اندیشه امامت، تقویت جایگاه رهبری، تأکید بر حفظ نظام اسلامی... پاسداری از اخوت در چهارچوب قرآن و اهل بیت علیه السلام، و مواضع رهبری، از مهم ترین نیازهای اجتماعی امت اسلامی است" (ماهنامه مبلغین، ص ۹، شماره ۱۳۱)

بصیرت و آگاهی های سیاسی نقش به سزایی در تبلیغ دارد. مبلغین باید مواضعی صریح، روشن، مداوم و پویا داشته باشند و از آگاهی و بصیرت کامل نسبت به مسائل روز برای حفظ دین اسلام برخوردار باشند، زیرا که آگاهی راه گریز از هلاکت و نفوذ بیگانگان و دیگر ادیان به جامعه می شود. همان گونه که یک مبلغ در صورت عدم آگاهی از مسائل زمان خویش نمی تواند وظیفه هدایت گری خود را انجام دهد، ممکن است به فردی بی خاصیت تبدیل شود و این غفلت و ناآگاهی به زیان جامعه و دین اسلام می باشد.

استعمار نیز در کنار ادیان و مذاهب مختلف به فعالیت بر اندازی دین اسلام اقدام می کند و تهاجم فرهنگی از ابزارهای مورد استفاده استعمار است. با اینگونه ابزار به جای جنگ آشکار و قتل و خونریزی، با آرامش، افراد را مورد هجوم قرار می دهد و به تخریب ذهن و اندیشه آنها و در نتیجه کم رنگ کردن ارزشهای اسلامی می پردازد. بنابراین مبلغین باید مسائل اسلام و مشکلات مسلمین را شناخته و آگاهی و بصیرت کامل را در شناخت دشمن و شیوه های حرکت دشمن داشته باشند و با سرعتی که در تحولات جهانی و داخلی صورت می پذیرد هماهنگ باشند و یکی از راه های مقابله با دشمن را که حضور در میان مردم و ترویج دین اسلام است را گسترش دهند.

«اگر بصیرت و آگاهی جای خود را به لهو و غفلت دهد نه تنها انسان از استعداد و توانایی خود غافل می ماند، بلکه شکار مکر و فریب و حمله دشمن می گردد و جان و جسم خویش را نیز برخلاف مصالح خود و به نفع دشمن به کار خواهد گرفت» (مجتبی ذوالنوری، آگاهی سیاسی، ج ۲، ص ۱۱).

موانع و آفات تبلیغ:

هر کار و فعالیتی اگر به روشی صحیح صورت نپذیرد آفاتی را در پی دارد و این آفات مانع از موفقیت فرد می باشد، این عدم موفقیت گاهی به ضرر جامعه می باشد. در امر تبلیغ نیز همین گونه است. اگر این آفات از بین نرود، ضرر آن متوجه جامعه اسلامی می باشد و دین را مورد تهدید قرار می دهد، به گونه ای که منجر به پایین آمدن سطح تبلیغ و کم رنگ شدن توانمندی های تبلیغ و مبلغین می شود.

الف) ترس:

از آفات تبلیغ می توان به ترس اشاره کرد. از شرایط مبلغین شهامت و شجاعت است و اگر مبلغی برای رساندن پیام الهی و احکام و قوانین اسلامی در جوامع و محافل مختلف شجاعت نداشته باشد، تبلیغی با کیفیت نخواهد داشت.

«الذین یبلغون رسالات الله» آنان که رسالات و پیام های الهی را به مردم می رسانند، «ویخشونه» و از خدای خودشان می ترسند، «ولا یخشون أحداً إلا الله» و از احدی جز خدا بیم ندارند» (احزاب، ۳۹).

همان طور که مکلفیم که خودمان را حفظ کنیم و خارج کنیم از ظلمات به نور، مکلف هستیم دیگران را همین طور دعوت کنیم. امام خمینی قدس سره

ب) تکلف:

تکلف از دیگر آفات تبلیغ است: تکلف در لغت به معنای خود را به رنج انداختن است. مثلاً برای بیان مطلبی از کلمات قلمبه استفاده شود. استفاده از کلماتی که عام مردم از آن مطلبی را دریافت نمی کنند، این امر مانعی در امر تبلیغ است. مبلغین باید سخنان خود را فصیح و روان بیان نمایند تا هر قشری از جامعه مطلب مورد نظر را با ذهن و اندیشه خود مطابقت دهد.

ج) سهل انگاری:

یکی از موانع در راه تبلیغ محسوب می شود. مقام معظم رهبری در دیدار با طلاب مبلغ در این مورد می فرماید: "سهل انگاری یعنی هر حرفی که به ذهن کسی برسد، بعنوان دین بگوید، هر غیر متخصص و ناواردی، آنچه را که به سلیقه خودش خوب می آید به دین نسبت دهد و منعکس کند این آفت است که به اشتباهات، به انحراف ها، به التقاط ها، به کج روی های فکری و علمی و به دنبال آن به فاجعه های اجتماعی منتهی می شود." (بیانات رهبری در دیدار با روحانیون و طلاب مبلغ ۱۳۷۷/۹/۲۳).

د) تنفییر:

گاهی مبلغین می خواهند افراد در انداز و راهنمایی کنند اما باعث فرار شخص از مسائل دین خصوصاً واجبات دین می شوند، به این آفت تنفییر گفته می شود. یعنی به جای اینکه در ذهن افراد علاقه ی به دین ایجاد کنند، حس تنفر از دین را در او ایجاد می کنند. از عوامل ایجاد این تنفر ملامت است. گاهی مبلغین در سخنان خود افراد را زیاد ملامت می کنند و سرکوفت می زنند. ملامت کردن عکس العمل خلاف ایجاد می کند و بیشتر باعث نفرت و گریز افراد از دین می شود اساس کار تبلیغ، ترغیب و تیشیر است. یعنی مبلغ باید کاری کند که افراد از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند. مثلاً مزایای اسلام را بیان کنند نه اینکه با ملامت و سرزنش به معرفی اسلام بپردازد.

و) تنبلی:

هنگامی که مبلغ با بی حوصلگی و تنبلی به کار تبلیغ می پردازد، تلاطم و پویایی آن از بین می رود و همچنین کیفیت مطلوب برای ارائه مطلب خود برای افراد دیگر ندارد و به پایین آمدن سطح تبلیغ منجر می شود. در نتیجه افراد از سخنان و حتی حضور در مجالس وی استقبال نمی کنند. تنبلی مانع از ارائه ی مطالب گوناگون و به روز، و داشتن آگاهی کامل از مسائل دین می گردد. زیرا مبلغی که برای ارتقاء آگاهی خویش و مسائل به روز دنیا بی حوصله و تنبل باشد، برای ارائه آن به دیگران نیز موفق نخواهد بود، در نتیجه انگیزه ای نیز برای کار خود نخواهد داشت، و این نبود انگیزه باعث انزوای مبلغ می شود و به وظیفه اصلی خویش عمل نمی کند. امام علی می فرماید: «من أطاع التوانی ضیع الحقوق...» (شرح نهج البلاغه، دشتی، ص ۶۸۱) هر کس تن به سستی دهد حقوق را پایمال کند. در شماره بعد به بیان راه کارهای صحیح تبلیغ می پردازیم (با استعانت از خداوند). ادامه دارد....

دسته گل بدان

بچه ۱۲ ساله، مالیدم به چشمای کم نورم، امام حسین علیه السلام به احترام گل سینه زنش، چشمای منو شفا داد. آیت اله بروجردی تا آخر عمرش عینک نزد خطوط ریز رو هم زیبا میخوند و میگفت من نور چشمامو مدیون گل سینه ی سینه زن امام حسین علیه السلام میدونم...

آیت الله العظمی بروجردی فرمودند: وقتی در بروجرد بودم در آنجا به دسته ای بود به نام دسته ی گل بدان، گل به سینه شون می مالیدن برای امام حسین علیه السلام، به بچه کوچک ۱۲ ساله گل به سینه ش مالیده بود برای امام حسین علیه السلام. آیت اله بروجردی فرمودند: من چشمم کم سو شده بود دستمو دراز کردم به ذره گل از سینه ی سینه زن امام حسین علیه السلام برداشتم، اونم

مرجع تقلید:

شیخ مرتضیٰ انصاری مادرش رو به دوش می گرفت و می برد حمام ، زن ها اونو می شستن و باز به دوش می گرفت و بر می گردوند خونه ، بهش می گفتن چهار پا که تو خونه هست ، مادرت رو روچهار پا بنذار . او می گفت : نمی دونید که خدا چقدر خیر و برکت بهم میده برای این زحمتی که من برای مادرم می کشم.

هر روز صبح که می خواست بره درس مرجعیت و فقاہت بده ، می رفت محضر مادر و حالش رو می پرسید و غروب هم که می خواست برگرد خونه ، می رفت محضر مادر.

شیخ انصاری مرجع کم نظیر شیعه ، وقتی مادرش از دنیا رفت ، چنان ضجه می زد که طلبه ها بهش اشکال کردن ، گفتن زشته یک مرجع شیعه این طورگریه کنه. ایشون فرمودند : راست میگین اما من از امروز به بعد به چه شخصیتی محبت کنم که خدا اینقدر بهم ثواب بده؟

بعد تمام نماز عمر مادرش رو براش اعاده کرد و خونند.



امیر ناب(سر دلبران)

عن عبدالله بن مسعود، قال رسول الله (صلى الله عليه واله وسلم)

أولُّ من اتَّخَذَ عَلِيٌّ بَنَ أَبِي طَالِبٍ أَخَا مِنْ أَهْلِ السَّمَاءِ إِسْرَافِيلُ، ثُمَّ مِيكَائِيلُ، ثُمَّ جِبْرَائِيلُ، وَ أَوَّلُ مَنْ أَحَبَهُ وَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاءِ حَمَلَةُ الْعَرْشِ، ثُمَّ رِضْوَانُ خَازِنُ الْجَنَّةِ، ثُمَّ مَلِكُ الْمَوْتِ وَ إِنَّ مَلِكَ الْمَوْتِ، يَتَرَحَّمُ عَلَيَّ مُحَمَّدِي عَلِيَّ بَنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا يَتَرَحَّمُ عَلَيَّ الْأَنْبِيَاءِ¹

از عبدالله بن مسعود نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : اولی کسی که از اهل آسمان، علی را به برادری انتخاب کرد، اسرافیل بود، بعد میکائیل و بعد جبرئیل و اول کسی که از اهل آسمان، علی را دوست داشت، حاملین عرض بعد رضوان گنجینه دار بهشت و بعد فرشته مرگ بود.

همانا فرشته مرگ علی بن ابی طالب علیه السلام (هنگام قبض روح آنها) رحم می کند، همان طور که بر پیامبران رحم می کند.

برگرفته از کتاب سردلبران

ابن شاذان قمی ، منقبت ۶۴

"الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية
امير المؤمنين عليه السلام"

1 . قرطب خوارزمی، ص 11، مقتل للاحسین ج 1، ص 13 ، قرطب بلن شهر آشوب، ج 2، ص 12 بنی لبحی الموده ص 111 کشش فال غمّه ، ج 1، ص 101 - غلیه الہرام، ص 080، ج 22

او (مهدی) بر طرف کننده رنج ها و اندوه ها از شیعیان است، بعد از اندوهی سخت و بلایی طولانی و ستمی جانکاه.

امام صادق علیه السلام

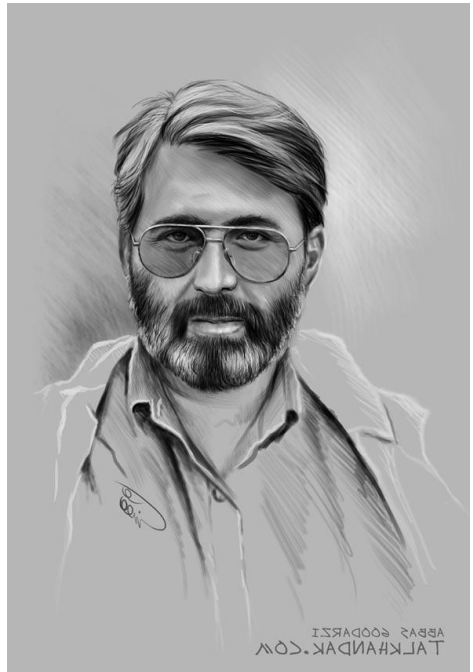


دلایل اصلی بودن مسأله فلسطین از نگاه رهبری

۱. غصب یک کشور مسلمان و سپردن آن به یک جامعه جعلی
۲. کشتار، ظلم و اهانت مستمر به یک کشور
۳. تهدید قبله اول مسلمانان به تخریب و توهین
۴. استفاده صهیونیسم از سرزمین فلسطین برای گسترش سلطه خطرناک خود در جهان
۵. ایجاد هزینه های مالی سنگین و اشتغال ذهنی دولت و ملت های مسلمان
۶. رنج میلیون ها آواره فلسطینی و زندگی طولانی در اردوگاه ها
۷. انقطاع تاریخ یک کانون مهم و تمدنی در جهان اسلام
۸. نیرو گرفتن نهضت بیداری اسلامی از مقاومت فلسطین
۹. امام خمینی دفاع از مردم مظلوم فلسطین را مسئله اصلی می دانست.

شهید مرتضی آوینی

- فحش اگر بدهند آزادی بیان است
جواب اگر بدهی ... بی فرهنگی !
سؤال اگر بکنند آزاد اندیشند. سؤال اگر بکنی تفتیش عقاید !
تهمت اگر بزنند در جستجوی حقیقت اند.
جواب اگر بدهی دروغگویی !
مسخره ات بکنند انتقاد است
جواب اگر بدهی بی جنبه ای !
اگر تهدیدت کنند دفاع کرده اند.
اگر از عقایدت دفاع کنی خشونت طلبی !
حزب الهی بودن را با همه تراژدی هایش دوست دارم ...



پس قائم، عدالت واقعی را به شما نشان خواهد داد که چگونه است و احکام قرآن و سنت را که متروک مانده، زنده خواهد نمود.

امام علی علیه السلام



...به نقل از حاج آقا قرائتی

تیرسه شعبه یعنی چه؟

یک نفر گفت: تیرسه شعبه که به گلولی علی اصغر زدند. در جواب فرمودند: تیرسه شعبه همین کارهایی است که ما درکوچه و خیابان انجام می دهیم. همین بد حجابی و رعایت نکردن هاست.

سه شعبه دارد: یک شعبه اش این است که خودمان گناه کردیم ...

یک شعبه این است که دیگران را به گناه انداختیم، آن جوانی که به گناه می افتد دراین فضا به گناه می افتد !!!

یک شعبه اش قلب امام زمان است که نشانه گرفتیم .

وای بر ما ...

رهبری (چفیه):

حجت الاسلام ماندگاری: به مقام معظم رهبری گفتم فلسفه چفیه شما چیست؟ فرمودند: دوستان اگر می دانستند که دشمن چگونه آماده شده است برای زمین زدن نظام و اسلام، هیچ گاه حالت رزم را از خودشان دور نمی کردند!



www.tebyan.net

یگانه روزگار

مهدویت، باور داشت دینی است که همه زوایای زندگی ما را در بر می گیرد و برویکرد و رفتارهای سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی ما اثر دارد.

شاید کمتر اندیشه دینی را بتوان سراغ گرفت که همانند مهدویت با ابعاد مختلف زندگی ما درهم تنیده شده و در ارتباط مستقیم بوده است. مشخص است که ما نتوانسته ایم انگونه که شایسته است، مهدویت را نقطه کانون و محور برنامه و فعالیت های خود قرار دهیم و راهبردهای مشخصی برای آن ایجاد کنیم. علت آن هم نبودن برنامه جامع در سیاسی گذاری فرهنگی است، یعنی نه راهبردها و استراتژی های خاصی نسبت به مهدویت داریم و نه سیاست و خط مشی روشن از این رو باید تغییر و دگرگونی اساسی در نوع نگاه ها به مهدویت صورت گیرد.

تغییر و اصلاح و بازسازی امور مهم و بنیادین به راحتی قابل تحقق نیست در این گونه موارد باید در رویکرد اتخاذ کرد:

۱. جهاد و تلاش مداوم

۲. برنامه ریزی راهبردی

در اینجا مسئله این است که راهبرد فرهنگی ما نسبت به آموزه مهدویت باید چگونه باشد؟

ابتدا باید بدانیم بعنوان جامعه منتظر چه وظایف و مسئولیت هایی نسبت به مهدویت داریم و بهترین راه عمل به مسئولیت ها جهت باید دانست چند مسئولیت اصلی متوجه جامعه است که بیشتر عامل ثبات، بالندگی و تعالی و حرکت هستند:

۱. بصیرت آرمانی: دانایی و فهم ایمان است ناظر به آرمان قدسی و معطوف به جامعه مطلوب قرآنی که منجر به بالا رفتن قدرت تمیز و تشخیص می شود.

۲. انتظار و هویت سازی: بازسازی هویت جمعی و جهانی شیعه و قرار گرفتن آنها در یک شکل واحد که بصورت مؤثر جهان را به سمت جامعه موعود سوق می دهد.

۳. آینده نگری پیش برنده: توجه عینی و عملی به آینده و انجام اقدامات سنجیده و کارآمد که موجب پیشتازی و حرکت سریع در تحولات جهانی می شود.

۴. روابط صالحانه: تشکیل جامعه مؤمن و منسجم برای تحقق وعده های الهی و پافشاری کردن بر پاکی و طهارت اخلاقی و ایمانی اجتماع (وعدالله الذین آمنوا ملکم و علموا الصالحات لیستخلفنهم...)

۵. پایداری آرام: بردباری و استقامت در دوران سخت غیبت کبری، همراه با انضباط و حفظ اسرار، و مسائل کلی مربوط به ظهور

۶. روحیه مجاهدانه: شکل گیری جامعه ای پیروز و سربلند که قدرت و نیروی مضاعف و مجاهدانه خود را برای یاری و همراهی منجی موعود آمده کرده و مهیای قیام و جهاد است.

روشن است که باور داشت مهدویت می تواند موجب نزدیکی و وحدت مسلمانان و زنده کردن روحیه برادری در میان آنها باشد. البته شکل و نحوه طرح این موضوع از مباحث مهمی است که نیاز به کار دقیق علمی دارد و باید از آسیب ها و آفاتی مانند اختلافات عقیده، سطحی نگری، حزب بندی ها و... در آموزه های مهدوی به دور باشد.

اگر دل‌هایمان تاریک و ظلمانی نمی گردید

به قدر تشنگی، گر تشنه امر فرج بودیم

امامت هم عیان می گشت و پنهانی نمی گردید

خداوندا فرج این قدر طولانی نمی گردید

گردآوری: سیده زهرا هاشمی

منبع: فصلنامه مهدویت مجله شماره ۴۴، امان

هیچ چیز مثل یاد خدا و خوبان خدا دل را آرام نمی کند، ذکر خدا و خوبان خدا وادی امن و دار قرار است. همین که توجه داشته باشی که خدا با تو است کافی است، لازم نیست خیلی هم به زبان ذکر بکنی، اصل این است که به یاد داشته باشی.

حاج اسماعیل دولابی

استرس چیست ؟

کنند ۴/۵ برابر بیشتر از سایرین در معرض سکنه های قلبی و مغزی هستند. تظاهرات مربوط به فشارهای عصبی را می توان در چهار گروه خلاصه کرد.



استرس یک فرایند پیچیده و پویا بین شخص و زندگی اوست. استرس عکس العمل فیزیکی، روانی، هیجانی در مقابل حالت های مختلف، تغییرات و فشارهای زندگی است. مردم فکر می کنند استرس و تنش های روانی عبارتند از فشارهای شغلی، بیماری عدم کسب نتیجه مطلوب در امتحان، ترافیک و غیره. در حالی که این ها عوامل برانگیزاننده هستند و استرس (فشار روانی) در واقع واکنش بدن به این عوامل و افکار مربوط به آنهاست.

واکنش بدن به این اتفاقات بوسیله تولید هورمون ها و توسط ناقل های عصبی مختلف ایجاد می شود که موجب آمادگی و برانگیختگی بدن برای دفاع و مقابله با مشکلات می شود. مقدار جزئی استرس می تواند مفید باشد، چرا که به زندگی جذابیت و تحرک می بخشد و ما را روی پای خودمان نگه می دارد، فشارهای روانی جزئی و ملایم نه تنها مضر نیستند بلکه مفید و سازنده اند و در پرورش حس سازش پذیری ما نقش عمده ای ایفا می کنند. اما وقتی که فشارهای روانی از حد مجاز فراتر روند و در طول دوره ای از زمان بر زندگی ما اثر بگذارند، این جاست، که ظرفیت سازش پذیری ما اشباع می شود و تحمل آن غیرممکن می نماید.

استرس و فشارهای عصبی، از علل شایع بیماری و ناتوانی در جامعه امروز ما هستند. این استرسها و تنش ها احتمالاً عامل هفتاد درصد ملاقاتهاییست که بیماران با پزشک انجام می دهند و کسانی در شرایط پراضطراب زندگی می

۱. تظاهرات عاطفی: شامل اضطراب، خشم، افسردگی، غمگینی، تحریک پذیری هستند.
۲. تظاهرات شناختی یا فکری: شامل ضعف در تمرکز و توجه، حافظه و تصمیم گیری های بدون پشتوانه و نتیجه گیری های غلط هستند.
۳. تظاهرات رفتاری: شامل پرخاشگری، خشونت، تصادفات، عجله، کاهش عملکرد شغلی و تحصیلی
۴. تظاهرات جسمی: شامل دردهای بدنی، میگرن، ناراحتی های قلبی، ناراحتی معده، بی خوابی، کاهش اشتها، تعریق دست.

گردآوری: خدیجه جوکار

زنگ احكام

تاتو چيست؟

قرار گرفتن مواد رنگى با منشأ خارجى درزير پوست باعث تغييرات رنگى مى شود كه اين حرركات را خالكوبى يا تاتو مى نامند. تاتو همان خالكوبى است كه درگذشته براى اثبات پهلوانى بكار مى رفته اما هم اكنون فقط براى زيبايى خط باريكى دور پلك و داخل ابرو يا دور لب كشيده مى شود كه به اعتقاد عده اى از علما مورد اشكال است و پزشكان نيز از منتقدان سرسخت تاتو و خالكوبى هستند آنها معتقدند افرادى كه اين كار را انجام مى دهند با رعايت مسائل بهداشتى ۹ برابر بيشتر در معرض ابتلا به هپاتيت و ايدز و بيمارى هاى عفونى هستند.

انجام خالكوبى با توجه به احتمال بيمارى درهيج آرايشگاه و مركزى مجاز نيست ولى اگر در حضور پزشك متخصص صورت گرفته و نكات بهداشتى آن رعايت شود مشكلى ندارد.

نظرمراجع مختلف در مورد تاتو

حضرت آيت الله خامنه اى : اگر مانع رسيدن آب به محل وضو و غسل باشد بايد برطرف شود ولى اگر زير پوست باشد اشكالى ندارد.

دفتر آقاى مكارم شيرازى: ضرر خاصى براى بدن نداشته باشد و تصاوير آن موجب فساد اخلاق نباشد جايز است.

حكم ترميم خط ابرو در آرايشگاه زنانه چيست؟

اگر منظور از ترميم كاشتن مو است و آب به پوست مى رسد اشكال ندارد و اگر منظور، خالكوبى يا رنگ است نيز اشكالى ندارد.

اين روزها بعضى از بانوان نسبت به ابرو يا دور لب تاتو انجام مى دهند و پوشاندن آن مقدور نيست، لطفأ بفرماييد نگاه به صورت چنين زنانى چه حكمى دارد و ايا اين عمل مشمول آيه شريفه ولا يبدن زينتهن مى شود يا نه ؟ آيه با توجه به عبارت الا ما ظهر منها، زينت هاى موجود در صورت و دست ها تا مچ را شامل نمى شود ولى اگر زينت تند و زننده باشد و منشأ فساد شود جايز نيست.

نظرايت الله سيستانى درباره تاتو : تاتو كردن مانعى ندارد ولى اگر زينت محسوب شده باشد بايد از نامحرم پوشانده شود.

آيا كاشت ناخن مانع وضو و غسل است؟

حضرت آيت الله مكارم شيرازى، بله مانع وضو و غسل است.

حضرت ايت الله صافى گلپايگانى : در صورت عدم امكان، برداشتن ناخن، بايد با همان ناخن وضو و غسل بصورت جبيره اى انجام شود و احتياطاً تيمم هم بنمايد.

گردآورى: الهام پيوسته

امام خامنه اى (مد ظله العالى):

پديده خواهران طلبه خيلى پديده عظيم و مباركى است . هزاران عالم، پژوهشگر، فقيه و فيلسوف در حوزه هاى علمى خواهران تربيت شونند، اين چه حركت عظيمى خواهد بود.

بانوان بايد خوب درس بخوانند، البته هدف نهايى درس خواندن بانوان، تنها مجتهد شدن يا فيلسوف شدن نيست- ممكن است عده اى علاقه اش را داشته باشند، عده اى هم نه- آشنايى با معارف اسلامى و قرآنى است كه مى تواند براى خود آنها و براى ديگران مورد استفاده قرار بگيرد.

مناظره شیعه و سنی

متن موجود بحثی درباره ی جمع آوری قرآن و تدوین آن از منظر شیعه و سنی در قرن ۵ هجری در شهر بغداد است. در آن زمان بغداد پایتخت عباسیان بوده، در مدرسه نظامیه آن شهر در دوران ملک شاه سلجوقی صورت گرفته. در این مجلس مناظره ای صورت میگیرد که از اهمیت زیادی برخوردار است، چرا که شخصیت هایی چون ملک شاه سلجوقی و وزیرش نظام الملک و اندیشمندان دولت و بزرگان شیعه و سنی در آن شرکت دارند. در این متن علمای سنی را با عنوان عباسی و علمای شیعه را با عنوان علوی خطاب می کردند.

عباسی به علوی گفت: یکی از بدعت های شما شیعیان این است که به قرآن اعتقادی ندارید. علوی: نه، این شماست که قرآن را قبول ندارید و این یکی از بدعت های اهل سنت است. شاهد آن، این است که می گویند: قرآن را عثمان جمع آوری نمود. از شما می پرسیم: آیا پیامبر نسبت به خطر پراکندگی قرآن نا آگاه بود که قرآن را جمع آورینکرد تا آنکه عثمان آمد و به این کار اقدام نمود. به علاوه، چگونه قرآن در زمان پیامبر جمع نشده بود در حالیکه پیامبر به اصحاب و پیروان خود دستور ختم قرآن داده و فرموده است: (هرکس قرآن را ختم کند برای او فلان مقدار اجر و ثواب است). آیا ممکن است به ختم قرآن دستور دهند با اینکه پراکنده است و هنوز جمع نشده است؟ آیا مسلمانان با اختیار نداشتن تمام قرآن در گمراهی به سر می برند تا اینکه عثمان آنها را نجات داد؟ چون سخن به این جا رسید ملک شاه روبه وزیر کرد و گفت: آیا این گفته ی علوی صحیح است که اهل سنت معتقدند عثمان قرآن را جمع آوری نمود؟ وزیر: مفسران و تاریخ نویسان این طور گفته اند.

علوی: ای پادشاه! بدان که شیعه معتقد است قرآن در زمان پیامبر به همین صورت که الان می بینید جمع آوری شد، نه حرفی از آن کم شد و نه حرفی به آن اضافه گردید. اما اهل سنت می گویند: در قرآن، کم و زیاد شد و آیات آن جابه جا گردید و پیامبر آن را جمع نکرد و عثمان پس از آن که امیر شد و زمام امور را به دست گرفت، به جمع آوری آن اقدام کرد.

برگرفته از کتاب حقیقت جاویدان مولف:مقاتل بن عطیه

گردآوری: مریم گشتاسبی



روش تقویت اراده

عبادت و همه فعالیت ها گنجانده شود و زمانی خالی نماند تا فکر شود که فرصتی برای تدارک در وقت دیگر وجود دارد و همین باعث به تأخیر انداختن کار می گردد.

امام موسی کاظم علیه السلام در بیانی ضمن توجه به لزوم برنامه ریزی حساب شده، به محتوای برنامه می پردازند، ایشان می فرمایند: کوشش کنید به هنگام برنامه ریزی برای اوقات شبانه روزی خویش چهاروقت را برای چهار چیز در نظر بگیرید. یک وقت برای مناجات با خدا، وقتی هم برای پرداختن به امر معاش و کسب درآمد زندگی، وقتی را نیز به معاشرت با برادران و دوستان صمیمی مطمئن، اختصاص دهید تا عیوب یکدیگر را دوستان شناسایی کرده و در رفع آنها تلاش کنید و وقت دیگر که در برنامه ریزی باید مورد توجه قرار گیرد، اختصاص دادن وقتی برای لذت مشروع و غیر حرام، با اجرای این بخش از برنامه است که شما توانایی پیدا می کنید تا به بخش های دیگر بپردازید و در آنها موفق باشید (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۲۱، حدیث ۱۸).

۵. انگیزه قوی و معتبر: انسان سعی می کند، از اینکه با انگیزه های نامطلوب و یا ضعیف اقدام به کاری می نماید خود را کنترل کند. کوشش کند تا ملاک هر رفتار و گفتاری را رضایت خدا قرار دهد و سعی نماید با تمایلات پوچ و هواهای نفسانی مخالفت کند و تسلیم آنها نشود که این تسلیم شدن ها اراده را ضعیف می سازد و یا در آن تزلزل ایجاد می کند. تقوا و رعایت حرمت دستورات پروردگار تأثیر بسیار زیادی در آرامش روانی و تقویت نفس و اراده دارد و باعث می شود فرد در حل مشکلات با اراده قوی کوشا باشد و خود را رها سازد.

۶. تغییر موقعیت ها: محیط زندگی و موقعیت فعلیتی وی تغییر کند و موانع بروز اراده و فعالیت جدی وی از بین برود.

تقویت اراده امری تدریجی است. این امر به مانند بسیاری از مشکلات روانی دیگر، ارتباط مستمر با مشاور را می طلبد تا با برنامه ریزی مشخص، به تدریج قدم به قدم، مراحل پیشرفت را بیاماید. روش تقویت اراده در چند مرحله:

۱. علائم تشخیص ضعف اراده:

- الف) فرد کارها را به تأخیر می اندازد.
- ب) فکرش با عملش هماهنگ نیست.
- ج) زیاد تأثیرپذیر است و بیش از حد، انعطاف از خود نشان می دهد.
- د) کم صبراست و بردباری ندارد و زود عصبانی می شود.
- هـ) بجا و به موقع تصمیم نمی گیرد و در کارها دو دل و متزلزل است.
- و) در کارها افراط و تفریط دارد و متعادل عمل نمی کند.
- ز) از امتنان رفتار، آرامش در حالت و وقار در گفتار برخوردار نیست.

۲. آگاهی از علل و عوامل ضعف اراده: غالباً ضعف اراده ناشی از عدم اعتماد به بینش و تفکر خویش، خودشناسی، با ارزش و با عزت تلقی نکردن خود، عدم امنیت روانی، عدم تدبیر عقلانی در تشخیص امور و تمییز مهم از مهم و مهم از غیر مهم، شکست در گذشته و عوامل بازدارنده رشد و قوت نفس از قبیل: محرومیت، سرزنش، سختی کشیدن، مستمر و ... است.

۳. باور به توانمندی ها: هر فرد، نقاط قوتش بیش از نقاط ضعفش می باشد و نباید خود را دست کم بگیرد. بلکه با تکیه بر قوت ها و احساس توانمندی می تواند خوب تصمیم بگیرد و ضعف هایش را به قوت تبدیل کند.

۴. برنامه ریزی حساب شده: شخص، با مشورت با فرد ذی صلاح و با توجه به امکانات و توانمندی های واقعی خود برای خود برنامه ریزی منظم بنماید تا هر کاری در وقت مناسب و ویژه خودش انجام شود، به هیچ وجه بی جهت از آن برنامه و نظم برقرار شده، تخلف نشود و کاری به بعد موکول نگردد. در این برنامه، اوقات استراحت و تفریح و

۱۲. یادآوری موفقیت ها: انسان باید تصمیمات به جا و پرازش خود در گذشته را به یاد آورد و توجه کند که مانند گذشته از عهده کارهای مهم برمی آید.

۱۳. الگوگیری: انسان باید به اسوه ها و تصمیمات و فعالیت هایش توجه کند و با جدیت درهمسان سازی و الگوپذیری کوشش کند تا جرات برانجام کار پیدا نماید.

۱۴. ورزش، فرد به ورزش مستمر و منظم که بسیار در تقویت اراده مؤثر است بپردازد.

۱۵. تصمیم در امور آسان: انسان باید کوشش کند با تصمیم های آسان در کارهای ساده به تدریج خودباوری و توانمندی را در خود پدید آورد و راه برای تصمیم گیری در امور مشکل و پیچیده، برایش هموار گردد.

۱۶. تمرکز: فرد سعی کند در موضوع مورد نظر یا عمل، تمرکز پیدا کند و از اشتغالات ذهنی متعدد پرهیز نماید تا تصمیم گیری، آسانتر صورت پذیرد.

۱۷. توکل: پس از تدبیر و مشورت از عواقب تصمیم گیری خود درهراس نباشد و بر خدا توکل کند و پیامدهای آن را که از قلمرو اندیشه اش بیرون است و صرفاً احتمال ضعیف، باعث تردید و تزلزل وی می گردد، بخداوند متعال که لطف، رحمت و محبت وی به بندگانش وسیع و گسترده است واگذار نماید و به آنچه پروردگار ولی نعمتش برایش پیش می آورد، رضا دهد و مسلماً با تکیه بر خدا، وی به آنچه صلاح اوست و مطلوب واقعی است، هدایت می گردد. خداوند می فرماید: (ومن یتوکل علی فهو حسبه...) (طلاق / ۳) « کسیکه به خدا در کارهایش تکیه کند، خدا او را کافی است (خدا او را به نتایج مطلوب، هدایت خواهد کرد).

۷. سهل گیری: انسان باید کوشش کند هرکاری را سهل و آسان تلقی کند، زیرا هرسختی در برابر اراده ی پولادین انسان آسان می گردد. کوشش کند از انجام کارهای به ظاهر سخت و دشوار، پرهیز نکند بلکه استقبال نماید و به خود تلقین کند که می تواند در این امور هم درست تصمیم بگیرد و افتخار موفقیت در انجام آن را برای خود کسب کند.

۸. قراردادن مراقب برای خود: انسان باید سعی کند برنامه ریزی و تصمیمات خود را تا مدتی با فردی ذی صلاح و رفیقی شایسته در میان گذارد و از او هدایت به صلاح را خواستار شود و از وی بخواهد مراقب باشد تا دو دلی در تصمیم گیری برایش پیش نیاید و اجرای تصمیمات گرفته شده را به تأخیر نیندازد.

۹. پرهیز از عوامل سستی زا: هراسانی باید از خواب زیاد، پر خوری و امور دیگری که زمینه تنبلی و سستی در اراده را موجب می شود دوری نماید و نگذارد که دیگران به جای او تصمیم بگیرند، زیرا این عمل، باعث هلاکت فرد می گردد.

۱۰. دوستی با افراد با اراده: فرد با کسانی دوست شود که روحیه و اراده قوی دارند تا در تعامل با یکدیگر اراده وی نیز قوی گردد.

۱۱. عدم فاصله بین تصمیم و اقدام: شخص، سعی کند با فرد با تجربه مشورت کند و پس از تأیید بر اساس تدبیر و اندیشه عقلانی خود، تصمیم بگیرد و بدون ازدست دادن فرصت، اقدام به عمل نماید و بین تصمیم و عمل، فاصله نیندازد که مشکل برایش پیش می آید.

دستور العمل حاج آقامجتبی تهرانی

مسئله توسل خیلی موثر است که توسل کنید که خداوند بچه سالم به شما عطا کند. بهترین زمان سال برای انعقاد نطفه، ماه رمضان است آن هم نزدیک به نیمه های رمضان. چون هم پدر و هم مادر روزه گرفته اند و حالت تلطیف روحی پیدا کرده اند. از نظر تغذیه مادر خیلی رعایت کند و هر چیزی را نخورد. قمر درعقرب نباشد.

مقید باشید، جاهایی نروید که ممکن است غذای شبهه ناک بخورید و این عجیب اثر می گذارد. روایت داریم که به ذهنم می رسد از امام هشتم علیه السلام است که بعد از هر نماز فریضه، مؤمن یک دعای مستجاب دارد. بعد از هر نماز واجب، از زمانی که می خواهیم تصمیم به بچه دار شدن بگیریم تا موقع بارداری و حتی بعد از بارداری، یک صلوات می فرستید و بعد یک استغفار و دوباره صلوات می فرستید. صلوات دوم را که فرستادید همین طور فارسی می گویند: خدایا این اولاد من را و فرزندان من را سالم، صالح، خوش قدم، خوش روزی و عاقبت به خیر قرار بده و بعد از این هم دوباره یک صلوات می فرستید.

من مقید بودم و در همه نمازهایم این کار را انجام دادم و یک بار هم این کار را تعطیل نکردم. این کاری است که خودم کردم و دارم به شما می گویم. فرزند بزرگ من پنجاه سالش هست هنوز دارم این کار را می کنم.

بسیج

مکتب بسیج، مکتب مجاهدت معنوی و مخلصانه است، این مجاهدت برای ملت و کشور و بالاتر از همه برای دین خدا و سرافرازی پرچم آزادی اسلامی در همه دنیاست.

اگر بر کشوری ندای دلنشین تفکر بسیجی طنین اندازد، چشم طمع دشمنان و جهان خواران از آن دور خواهد گردید و الا باید هر لحظه منتظر حادثه باشیم.

امروز یکی از ضروری ترین تشکل ها، بسیج دانشجویی و طلبه است.

بسیج عبارتست از مجموعه ای که در آن پاک ترین انسان ها، فداکارترین و آماده به کارترین جوانان کشور، در راه اهداف عالی این ملت و برای کمال رساندن و به خوشبختی رساندن این کشور جمع شده اند.

حوزه علمیه و دانشگاه باید چهارچوب های اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند. باید بسیجیان جهان اسلام در فکرایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته های مقاومت را در تمامی جهان بوجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.

گردآوری: سیده مریم بازیار

به خدا سوگند من اگر آن روز (ظهور) را درک می کردم، جانم را برای حضرت صاحب الامر فدا می کردم.

امام صادق علیه السلام

روایت سیره شهداء

این شهید عادی نیست

بعد از اینکه از غرب رفتیم جنوب، مسئولیت های سید حمید رضا زیادتر شد. معاون تخریب و مسئول آموزش شد. در کنار این کارها مسئولیت اردوگاه را هم به عهده داشت. در همه ی کارها نقش داشت. سعی می کرد از عمرش به نحو احسن استفاده کند. یک دفترچه به همراه داشت که در موقع بیکاری در آن چیزهایی یادداشت می کرد، اجازه نمی داد که دفترش را کسی بخواند، به بچه ها گفته بود: «راضی نیستم کسی این دفترچه را بخواند»

وقتی شهید شد دفترچه مدتی دست بچه ها بود مطالبش را می خواندند و استفاده می کردند. در آن دفترچه عمر خودش را حساب کرده بود که چند سال، چند ماه و چند روز از خدا عمر گرفته. به خودش خطاب کرده بود که «اگر گناهی کرده باشی چطور میخواهی محسور شوی؟!» نوشته بود اول نیت، دوم نیت، سوم نیت پس عمل مخلصانه. در جایی دیگر نوشته بود «کاری کنید که کاری شده باشد، نه اینکه جوابی داشته باشید.» ما بیشتر می خواهیم گزارش بدهیم اما او به فکر کار بود، به این فکر بود که شب عملیات معبر باز کند. بعد از شهادتش افرادی می آمدند و از جبهه بازدید می کردند، وقتی دفترچه شهید رضا زاده را می خواندند، خیلی متحول می شدند، می گفتند: «این شهید یک فرد عادی نبوده»

احمد سیف زاده، هم‌رزم شهید

هر کس نزدیک تر باشد...



بعد از شهادتش ناراحت بودم. یک شب آمد به خوابم. آنجا به من اینطوری تداعی می شد که شهدا شمع محفل بشریتند.

حمید توضیح داد: «شمع می سوزد و نورانیت ایجاد می کند و این نور را به اطرافش پخش می کند. هر کس که نزدیکتر باشد از نورانیت بیشتری استفاده می کند.»
بعد یک غبار خاکستری ایجاد شد و روی شیشه ای نشست. حمید رضا با انگشت روی غبار نوشت و گفت هرچه به شهید نزدیکتر باشی، بیشتر نقش می گیری.
آنها که دلشان می خواهد مثل حمیدرضا بشوند، راه دارد، راست بگویند.
آیه الله حائری شیرازی

خواهر شهید

شهید حمید رضا زاده

کتاب گردان پنج نفره، نویسنده رضا عبدالله

آیت الله بهجت رجم الله علیه
مکرمه کتبی سراره عقاری

صلوات اگر با عشق و محبت نثار شود، خدا می داند چه تاثیری دارد.

برگی از نهج البلاغه

قطاری که به مقصد خدا می رفت در ایستگاه دنیا توقف کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله روبرو جهانیان کرد و گفت : مقصد خداست . چه کسی با ما همسفر می شود؟

قرن ها گذشت اما از بی شمار آدمیان جز اندکی برآن قطار سوار نشدند ، از جهان تا خدا هزاران ایستگاه بود . در هر ایستگاهی که قطار می ایستاد ، کسی کم می شد . قطار می گذشت و سبک می شد ، زیرا سبکی قانون راه خداست .
«و ما اوتیتم من شیء فمتاع الحیاة الدنیا و زینتها و ما عندالله خیر و أبقی أفلا تعقلون»
- و هر آن چه به شما داده شده است ، کالای زندگی دنیا و زیور آن است و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است . آیا نمی اندیشید ؟ سوره قصص/۶۰

قطاری که به مقصد خدا می رفت در ایستگاه دنیا توقف کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله رو به جهانیان کرد و گفت : مقصد ما خداست . کیست که با ما سفر کند ؟

- به نظر شما عاقلانه ترین کار چیه ؟ توقف در ایستگاه دنیا یا رسیدن به ایستگاه نهایی ؟ انتخاب کالای باقی یا فانی ؟ تا به حال چقدر به نعمت هایی که در ایستگاه دنیا به ما داده شده است فکر کرده اید؟
نعمت سلامتی ، آرامش ، امنیت ، پدر و مادر ، فرزند ، مال دنیا و...

چه قدر از این نعمت ها استفاده می کنیم ؟ چقدر برای ایستگاه دنیا و اسباب و وسایل آن ارزش قائل هستیم ؟
چه مقدار از زندگی خود را خرج این ایستگاه کرده ایم ؟ به نظر شما این ایستگاه و نعمت هایش پایدار و ماندنی هستند یا ناپایدار ؟
چه قدر ارزش دارند که برایشان وقت بگذرانیم و زندگی مان را برمدار آنها حرکت دهیم ؟
امام علی علیه السلام در خطبه ۲۲۳ نهج البلاغه می فرماید : دنیا چه سرای نیکویی است برای کسی که آن را خانه همیشگی خود قرار ندهد و چه جایگاه خوبی است برای کسی که آن را وطن خود قرار ندهد .

و هر آنچه به شما داده شده است ، کالای زندگی دنیا و زیور آن است ، و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است ، آیا نمی اندیشید ؟

بالاخره ما در ایستگاه دنیا چه کاره ایم ؟

در تلاش برای دنیا باشیم یا نه ؟ دنیا را مورد توجه قرار دهیم یا مقصد نهایی (آخرت) را ؟
پس از تأمل بر آیه و کلام امیر المؤمنین به این نتیجه می رسیم که دنیا و همه ی نعمت های دنیوی که خدا در اختیارمان قرار داده ایستگاهی هستند برای گذشتن .

اگر محبت به دنیا ، زمینه ی غفلت از آخرت و خداوند و آخرت را فراهم نماید ، این دنیا مضموم است . البته حواسمان باشد اگر آیات و روایات ما را از دنیا نهی کرده و به آخرت توجه می دهند از این باب نیست که باید دنیا را بوسید و کنار گذاشت بلکه از این باب است که دنیا و لذات آن را نجسسیم و آخرت را رها نکنیم . به عبارتی از دنیاپرستی ، آخرت فروشی ، غافل شدن و سرمست شدن در آن نهی شده ایم .

ولی اگر بتوانیم در چهارچوب عدل و انصاف به سراغ دنیا و زینت های آن برویم و از کمالات دیگر و آخرت غافل نشویم و نگاهمان به دنیا به گونه ای باشد که آن را فانی و ناپایدار بدانیم . این نگاه ، همان نگاه آخرتی خواهد بود و بسیار هم زیباست . به نظر می رسد که انسان عاقل و اهل تفکر ، آنچه را که پایدار و باقی است را بر آنچه که قطعی نبودنش به یقین رسیده ، ترجیح نمیدهد.

دنیا چه سرای نیکویی است برای کسی که آن را خانه همیشگی خویش نداند و چه جایگاه خوبی است برای کسی که آن را وطن خود قرار ندهد.

و چه زیباست اگر نگاه ما هم به ایستگاه اینگونه شود :

شما برای کدام ایستگاه کار کرده اید؟

دنیا یا آخرت؟

گردآوری: اعظم رستمی

آخرین دعای حضرت فاطمه سلام الله علیها و رأفت او بر امت اسلامی

فاطمه زهرا سلام الله علیها از طائفه ی ذاکرین خدا و نیایشگران همیشگی او بود ، در لحظه های واپسین دست بر دعا و زبان به ذکر خدا مشغول داشته بود اما باز در این آخرین دعا محبت خدایی او مشمول شیعیان و پیروان اسلام بود و در حق گنهکاران و خطا پیشگان امت اسلامی دعا می کرد و طلب مغفرت برای آنان از بارگاه خدا داشت .

اسما همسر جعفر طیار نقل می کند : که در لحظه های پایانی عمر حضرت زهرا سلام الله علیها متوجه آن بزرگ زنان عالم بودم ، ابتدا غسل کرد و لباس ها را عوض کرد و در خانه مشغول رازو نیاز با خدا شد . جلو رفتیم فاطمه سلام الله علیها را دیدیم که رو به قبله نشسته و دستهارا به سوی آسمان برآورده چنین دعا می کند : الهی و سیدی اسئلک بالذین أصطفتیهم و بیکاء والذی فی مفارقتی أن تغفر لعصاة شیعتی و شیعة ذریتی .

پروردگارا ! بزرگوارا به حق پیامبرانی که آنها را برگزیدی و به گریه های حسن و حسین در فراق من ، از تو می خواهم گنهکاران شیعیان من و شیعیان فرزندان مرا ببخشایی .

گردآوری: مریم کشتاسی

تغذیه کودک

تغذیه مناسب و سالم برکنش و کارایی، رشد و ترمیم بدن کودک تأثیر دارد. تغذیه اولیه کودک تضمین کننده سلامت کودک در تمامی مراحل زندگی است، از این رو بهتر است برای کودک خود برنامه غذایی متنوع و سالمی تهیه کنید.

کودکان در ابتدا اشتها کمی دارند، آنها به وعده های غذایی متعدد و غذاهای مقوی نیاز دارند. بهترین غذا برای کودک در چند ماه اول شیر است پس از ۶ ماهگی شما می توانید تغذیه کودک را آغاز کنید. کودک در ابتدای رشد خود به خاطر رشد سریع نیاز به غذاهای پرانرژی و مقوی دارد و مادران باید با برنامه ریزی و تهیه رژیم غذایی مناسب مواد لازم برای کودک را تأمین کند.

سبزی و میوه (به غیر از مرکبات) از غذاهای اولیه مناسب برای کودک است این مواد آلفرئی را نیستند آنزیم در سلامت و متابولیسم کودک مؤثر است و سبزی و میوه منابع خوبی برای تأمین آنزیم است. بهتر است میوه و سبزی را بخارپز و آب پز کنید تا خواص آن از بین نرود.

کودک تا یک سالگی به پنج ماده اصلی، پروتئین، آهن، روی، کلسیم و ویتامین C بیشتری نیاز دارد. مانند انواع گوشت ها، لبنیات، انواع مغزها، فندق، گردو، بادام، حبوبات (نخود، لوبیا، عدس)، میوه ها (سیب، کیوی).

مواد افزودنی و نگهدارنده غذا

تحقیقات نشان می دهد این مواد بر روی کیفیت غذا و سلامت بدن تأثیر دارد و نتایج این تحقیقات نشان داده است که بیش از ۲۵٪ از کودکان با مصرف این مواد، پرخاشگر می شوند و گاهی این مواد در غذاهای آماده باعث بروز بیماری هایی چون آلرژی و بیش فعالی در کودکان می شود. پس بیاد دریافت که تهیه غذا در خانه بهترین راه برای داشتن فرزندی سالم خواهد بود.

هنگام خرید مواد غذایی به نوشته های روی آن دقت کنید. در صورت مشاهده ی مواد زیر از خرید آن ها بپرهیزید: نمک و قندهایی مثل : دکستروز، گلوکز، فروکتوز، لاکتوز، مالتوز، عصاره و شهد میوه، عصاره های سبزی و گوشت و نشاسته .

این مواد نه تنها خاصیت غذایی بالایی ندارند بلکه کودک را با طعم های مصنوعی آشنا می کنند.

گردآوری: خانم عارفه مقدس نژاد



لازمه‌ی ایمان حقیقی، رابطه دوستی و علاقه به سرنوشت یکدیگر است و لازمه این محبت و علاقه امر به معروف و نهی از منکر است.

آیت الله مطهری رحمه الله علیه



بیانات مقام معظم رهبری

بالاترین تخلف ها :

بالاترین تخلف ها، تخلف ها و جرایمی هستند که پایه های نظام را سست می کنند. نا امید کردن مردم، مأیوس کردن دل های امیدوار، کج نشان دادن راه راست، گمراه کردن انسان های مؤمن و با اخلاص ، سوء استفاده کردن از اوضاع و احوال گوناگون در جامعه اسلامی، کمک کردن به دشمن ، مخالفت کردن با احکام اسلام و پیاده شدن مقررات اسلام، تلاش برای فساد کشاندن نسل مؤمن، منکرهای مهم هستند. امروزه دست هایی تلاش می کنند تا فساد را به صورت نامحسوس به شکل گروهکی و با هدایت دشمن در بین جوامع ترویج کنند (بیانات رهبر ۱۳۷۱).

ضامن حفظ و حراست اسلام : تمامی آحاد ملت مسلمان، درحفظ و حراست از احکام نورانی اسلامی و سعی در گسترش و تعمیق آن در جامعه، دارای وظیفه ای بزرگند. امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپاداشتن همه فرایض اسلامی است، باید در جامعه ما احیاء شود و هر فردی از آحاد مردم، خود را در گسترش نیکی و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد، مسئول احساس می کند. (بیانات رهبر ۱۳۶۹).

امر و نهی لسانی : تکلیف عامه مردم امر به معروف و نهی از منکر با لسان است، با زبان . اگر کار به برخورد کشد، آن دیگر تکلیف مسئولین است . چیزی که جامعه را اصلاح می کند همین نهی از منکر زبانی است. آن آدم بدکار، آن آدم خلافکار، آن آدمی که اشاعه فحشا می کند، آن آدمی که قبح گناه را از جامعه می خواهد ببرد، مردم باید به او بگویند . ۱۰ نفر ، ۱۰۰ نفر ، ۱۰۰۰ نفر، افکار عمومی روی وجود و ذهن او باید سنگینی کند. این شکننده ترین چیزهاست (بیانات رهبر ۱۳۷۱).

معروف شناس و منکر شناس: وقتی یک جامعه را موظف می کنند که آحادش باید دیگران را معروف ، امر و از منکر نهی کنند این به چه معناست ؟ چه وقت ممکن است آحاد یک ملت امر به معروف و نهی از منکر باشند؟ وقتی که همه به معنای واقعی، در متن مسائل کشور حضور داشته باشند، همه آگاه باشند، همه معروف شناس و منکر شناس باشند، این بمعنای یک نظارت عمومی است. یک معرفت بالا در همه است. امر به معروف اینهاست. والا اگر ما امر به معروف را در یک دایره محدود، آن هم بوسیله افراد معلومی، زندانی کنیم، دشمن هم در تبلیغات خودش، بنا می کند سم پاشی کردن (بیانات رهبر ۱۳۷۱)

همه جا ، جای نهی از منکر است . یک دانشجو در محیط درس، یک کارمند شریف هم، در محیط کار خود، یک کاسب مؤمن هم ، در محیط کار خود، یک هنرمند هم با وسایل هنری خود می تواند نهی از منکر کند. روحانیون در محیط های مختلف یکی از مهمترین عوامل نهی از منکر و امر به معروفند نمی شود این واجب بزرگ الهی را در دایره های کوچک محدود کرد. کار هم کار همه است . این طور نیست که مخصوص عده خاصی باشد.

انجام هر امر به معروف و نهی از منکر خود یک موفقیت است ، چرا که حتی اگر به نتیجه هم نرسد ادای تکلیف است اما چه بهتر که امر و نهی ما منجر به اصلاح وضعیت شود، چرا که هدف از امر به معروف و نهی از منکر اصلاح جامعه است. انسان مومن کسی است که همواره دغدغه مند است و ذهنش درگیر جامعه و امور مسلمین است . براساس حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله که می فرمایند : من أصبح ولم یهتمّ بأمر المسلمین فلیس بمسلم (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳). مؤمن نمی تواند نسبت به صلاح و فساد جامعه مسلمانان بی تفاوت باشد، بلکه باید برای اصلاح مستمر جامعه خود با برنامه حرکت کند. برای انجام این کار، فرد امر و نهی کننده باید به واجب بودن یا حرام بودن فعلی که می خواهد به آن امر و نهی کند، علم داشته باشد.

دیگر اینکه مومن باید دائماً ظرفیت خود را برای تحمل خسارت درراه اجرای احکام اسلام بالاتر ببرد و برای اینکه کمترین خطری متوجه او باشد، یاد بگیرد که به چه روشهایی امر ونهی کند زیرا ممکن است امر و نهی برای او مشکلی ایجاد کند. (تمام کارهای نیکو و جهاددرراه خدا، برابر امر به معروف ونهی از منکر، چونان قطره ای بردریای موج پهناوراست وهمانا امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک میکنند ونه ازمقدار روزی میکاهندو ازهمه ی اینها برتر، سخن حق درپیش روی حاکمی ستمکاراست...)

نهج البلاغه بخشی ازخطبه ۳۷۴/

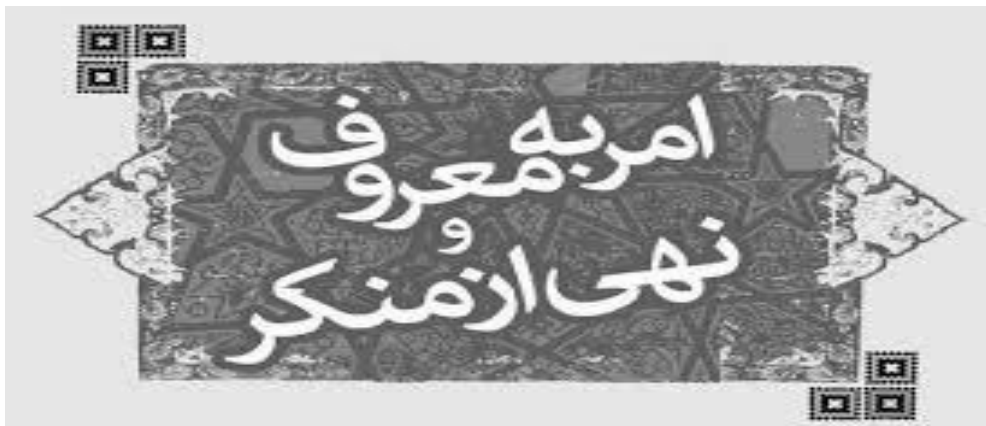
برای انتخاب روش درست و مؤثر دراین راه به نکاتی ضروری اشاره می کنیم:

۱. اگر فردی بخواهد امر به معروف و نهی از منکر او اثرگذار باشد باید خودش را از منکر پاک کرده باشد، صبروحوصله را پیشه خودسازد، نیت خود را درهنگام این کارخالص گرداند زیرا اخلاص موجب قبولی اعمال انسان می شود، خوش برخورد و با بیانی خوب و ازسر دلسوزی امرونهی کند. با فریاد و بی آبرویی و بدون احترام به دیگری نه تنها کاری از پیش نمی رود، بلکه فرد مورد نظر دست از صفات خود بر نمی دارد و به کارش ادامه می دهد. امام خمینی می فرماید: سزاوار است که امر به معروف و نهی از منکر درامر و نهی و مراتب انکار خود مانند پزشک معالج یا پدر مهربان مراعات مصلحت شخص آلوده به گناه را بنماید.

۲- یکی از مهم ترین مسائل درامر به معروف و نهی از منکر مخاطب و شناخت اوست و این شناخت شامل سن مخاطب، جنسیت مخاطب، آگاهی ازشرایط روحی و روانی وی، شناخت ویژگی های فرهنگی وقوی، آگاهی ازآداب و رسوم ملی و... می باشد. و نیزباید ازشتاب در قضاوت و داوری درباره مردم بپرهیزیم و معیارسنجش افراد را محیط و طرز تفکر آنها قراردهیم، آنگاه با روش مناسب وبا حفظ موقعیت و سن او به اصلاح وی بپردازیم.

۳- فرصت شناسی و موقعیت شناسی از رموز موقعیت درامر به معروف و نهی از منکر است. ممکن است درموقعیتی این امر را انجام دهیم ولی نتیجه معکوس داشته باشد. مثلاً وقتی مخاطب عصبانی است یا ناآرام و یا درحال عجله است، امر به معروف و نهی از منکر اثر معکوس دارد. مگراینکه تنها فرصت ما برای امر یا نهی باشد و موقعیت دیگری برای رویارویی با مخاطب نداشته باشیم، دراین صورت باید درهمان لحظه به وظیفه خود عمل کنیم.

۴- نحوه مواجهه با منکر، درلابه لای رفت و آمدهای روزمره، انسان با صحنه و وقایعی روبرو می شود که نحوه مواجهه با این موارد نقش بسیار مهمی در پدیدار شدن هنجارها و ناهنجارها درجامعه دارد. نگوید به من چه، او هم نمی تواند بگوید به تو چه. اگرهم گفت شما اعتنا نکنید، بعضی ها خیال می کنند، همین که منکری را دیدند باید با مشت سراغ او بروند. نه! باید ازسلاحی استفاده کرد که از مشت کار سازتر است. سلاح زبان، زبان کارسازتر است. حرف بزنید، لازم نیست صغری و کبری بچینید، به قول رهبرمان « یک کلمه بگویید که کار شما خلاف است، نکنید» درخیابان ها، بازار، پارک ها، دستگاه های دولتی وحتی منزل خود، امر به معروف و نهی از منکر باید با زبان صورت گیرد. غیرازبان تکلیف دیگری ندارید.



امام باقر علیه السلام

۵- اغلب ما تصور می کنیم که امر به معروف ونهی ازمنکر فقط در این قالب است که اگر کسی مرتکب منکر یا ترک معروفی شد خودمان تذکر دهیم و اگرهم احساس کردیم در آن تذکر اثری وجود ندارد، منصرف می شویم. درحالیکه اینصورت نیست، بلکه شخص مکلف باید از روشهای مختلف استفاده کند. مثلاً گاهی مخاطب، به حرف ما گوش نمی دهد اما به حرف پدر، یا معلم یا دوست خود گوش می دهد. پس از طریق آنها امر ونهی کنیم یا اینکه مخاطبی داریم که به حرف هیچ کس گوش نمی دهد، ده نفر را بسیج کنیم که به او بگویند یا صد نفر با اعلام ناخشنودی از کار زشت او، بخواهد کارش را کنار بگذارد. گاهی ما می توانیم با ابزار تشویقی و با استفاده از امکاناتی که می توانند بازدارنده متخلف ازمنکر یا وادار کننده او به معروف باشند، امر به معروف ونهی ازمنکر را انجام دهیم.

۶- بزرگترین عامل پیشرفت پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان جاهلیت این بود که ایشان را به نام امین می شناختند. یعنی مردم صفت امین را برای ایشان باور داشتند و می دانستند که ایشان بد کسی را نمی خواهد. پیامبر نیز از همین نقطه قوت برای جلب توجه افراد به سوی دین استفاده کردند. می توان از این نکته این را دریافت که رفتار آمر یا ناهی باید به گونه ای باشد که طرف مقابل باور کند که شخص واقعاً درصدد خدمت اوست و خیر او را می خواهد اگر مخاطب به این باور رسید، آن زمان است که از دل و جان به سخن آمر یا ناهی گوش فرا می دهد.

۷- برای تأثیر بیشتر امر، به معروف و نهی ازمنکر، آمر وناهی نباید حرف سست و بی دلیل بزند. بلکه باید بکوشد تا مطلبی را که درصدد اثبات آن است با دلیل محکم اثبات کند. این باعث می شود که مخاطب مطمئن شود که آمر یا ناهی حرف بی حساب و بی دلیل نمی زند.

بحث های مهارتی

۱. اگر یکی از دوستان نزدیک و صمیمی ما منکری را مرتکب شد بهتر است چگونه او را ازمنکر نهی کنیم؟
۲. از بین منکرهای زیر کدام یک اولویت بیشتری برای امر به معروف و نهی ازمنکر دارند؟
الف) اقتصادی مثل ربا، رشوه، و... اخلاقی مثل غیبت، روابط زن و مرد، حجاب و...
اعتقادی مثل ترغیب به پیروی توحید و پرهیز از پیروی از عقاید ضاله
ب) سیاسی مثل ترغیب به اطاعت از نظام ولایت و نهی از اطاعت طاغوت
بهترین نظر را انتخاب و جوایزی ارزنده تقدیم میگردد.

ادامه دارد...

گردآوری: ملیحه عوض زاده



احادیث سلامتی



آب : بهترین آشامیدنی ها در دنیا و آخرت آب است .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

نمک : غذا را با نمک شروع کنید که آن داروی هفتاد

مرض است. پیامبر صلی الله علیه و آله

کم خوردن : اگر مردم کمتر می خوردند بدن هایشان

سالم تر می شد. امام رضا علیه السلام

غذا: از روش های تواضع این است که انسان از باقی

مانده غذای برادر مؤمنش استفاده کرده و بخورد . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

طعام خنک : طعام را خنک کنید سپس بخورید که در آن طعام داغ برکتی نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله

خوردن : هر که به خوردن و نوشیدن زیاد عادت کند قلبش قساوت پیدا می کند. پیامبر صلی الله علیه و آله

مسواک : مسواک نمودن چشم را پرفروغ می کند. امام علی علیه السلام

شستن دست : شستن دست پیش از غذا فورا می برد و بعد از غذا اندوه را برطرف می کند و چشم را سالم نگه می دارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله

صبحانه : هر که عمر زیاد می خواهد، صبح زود ناشتایی بخورد. امام علی علیه السلام

شام: شام را فراموش نکنید اگر چه سه لقمه نان و نمک باشد. پیامبر علیه السلام

ادرار: هر که بخواهد که دچار درد مثانه نشود نباید ادرار خود را نگهدارد. امام رضاعلیه السلام

آب سرد: خوردن آب سرد بعد از خوردن چیز گرم و شیرین دندانها را خراب می کند. امام رضاعلیه السلام

سرکه : بنوشید سرکه انگور را که کرم های معده را می میراند . امام علی علیه السلام

سیر: بخورید سیر را که دواي هفتاد درد است. پیامبر صلی الله علیه و آله

شیر: چیزی برای درد گلو بهتر از غذای شیر نیست. امام علی علیه السلام

خرما: خانه ای که در آن خرما نباشد گویا در آن طعامی نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله

پنیر: پنیر موجب ناخوشی است و گردو موجب ناخوش است چون با هم خورده شوند موجب شفا می گردند. پیامبر صلی الله

علیه و آله

سیب: بخورید سیب را که حرارت بدن را آرام و درون را خنک و تب را برطرف می کند. امام صادق علیه السلام

کرفس: بر شما باد به خوردن کرفس که اگر چیزی عقل را زیاد کند همانا آن کرفس می باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله

عدس: خوردن عدس قلب را نازک و اشک را جاری می سازد. امام علی علیه السلام

کاسنی : کاسنی شفای هزار بیماری است و هر بیماری را که در درون باشد ریشه کن می سازد. امام رضا علیه السلام

شام را وا مگذارید، هر چند به خوردن دانه خرماى خشکیده ای باشد، چرا که شام، مایه نیرومندی پیر و جوان است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

کشمش: کشمش بهترین آجیل هاست. پیامبر صلی الله علیه و آله

انجیر: انجیر بخورید که برای بیماری بواسیر و نقرس مفید است. پیامبر صلی الله علیه و آله

انار: انار را دانه دانه بخورید که این طور گواراتراست. پیامبر صلی الله علیه و آله

به: به بخورید به را که قلب را پاک و ترسو را شجاع کند. پیامبر صلی الله علیه و آله

خریزه: هر که قبل از طعام خریزه بخورد شکمش شستشو شده و بیماریش از بین می رود. پیامبر صلی الله علیه و آله

گوشت خام: خوردن گوشت خام و نیم پز تولید کرم درشکم می کند. (گوشت باید کاملاً پخته شود) امام رضا علیه السلام

ایا می دانستید



خوردن هندوانه در وعده ی صبحانه به تدریج باعث ایجاد فلجی می شود.

خوردن پنیردر وعده ی صبحانه باعث ضعف قوای حافظه شده و سبب خواب آلودگی ودر نتیجه بازدهی کمتر درکارها می شود.

روشن بودن تلویزیون هنگام خوردن غذا باعث چاقی می شود.

مصرف روزانه ی ۱ عددسیب قبل ازصبحانه از سرماخوردگی جلوگیری می کند.

خوردن ۱ عدد سیب بیش از ۱ فنجان چای در هشیاری و رفع خواب آلودگی موثر است.

مادران باردار تا حد امکان نباید از زعفران، جعفری، غوره، آب غوره، دارچین، زیره و سیاه دانه استفاده کنند.

اگر مادر باردار در دوران بارداری به ترشبیجات علاقه ای بسیار زیادی داشته باشد فرزندش پسر واگر به شیرینی جات و گوشت علاقه زیادی داشته باشد فرزندش دختر است.

مصرف ویتامین D موجود در سبزیجات حاوی آن و حرارت آفتاب و اشعه ی قرمز آن باعث مشکى شدن موی سرنوزاد می شود.

برای خرمایی شدن موی نوزاد باید از ویتامین A به مقدار زیاد استفاده شود.

گردآوری: ثریا بختیاری



سلام بر ابراهیم حنظله دوران

دل نوشته خانم رویارضوی

تازه از جبهه برگشته بود. ابراهیم را می گویم ۴۰ ماه را در سرمای کشنده کردستان سپری می کند و بعد از آن راهی مناطق عملیاتی خوب می شود. حالا مرخصی گرفته و آمده پدرش را دید، یادش آمد به او قول داده است این بار که بر می گردد حتماً ازدواج کند. ولی فکر می کرد وقتش نرسیده است و هرچه به خانواده می گفت که من نمی خواهم ازدواج کنم، میخ آهنین او درسنگ نمی رفت و مرغ آنها یک پا داشت. بالاخره به اصرار خانواده و با توکل بر خدا ازدواج کرد. دو روز بیشتر از ازدواجشان نمی گذشت که صبح آن روز هراسان از خواب پرید...

وای! این چه خوابی بود که دیدم، یعنی باید بروم؟ آن هم در این موقعیت؟

تمام آن روز کلافه و نگران بود، دلش مثل سیر و سرکه می جوشید، در دلش غوغایی به پا بود. مرتب آن رؤیا برایش تداعی می شد. شهیدان مطهری و دستغیب بودند که به خوابش آمده بودند تا او را با خود ببرند و باغ سرسبزی را به او نشان دادند و گفته بودند: این متعلق به توست و باید با ما بیایی. اوهم به آن دو بزرگوار قول می دهد که حتماً بیاید.

"رفتن ... " گفتنش آسان است. البته باید از دنیا دل کند و به سرای آخرت دل بست. من هم ازوقتی که تصمیم گرفتم وارد سپاه شوم از همه چیز دل کندم. اما آیا برای پدر و مادر و همسر هم همینطور است؟ خدایا تو از درون من آگاهی و می دانی که من سالهاست در انتظار شهادت هستم، چون رضای تو در آن است و رسیدگی به خانواده هم خشنودی تو را در پی دارد. ولی کدام یک اولی تر است؟ خدایا لقای خواب را از چشمانم ربوده است. پس سه طلاقه کردن دنیا برایم سخت نخواهد بود، اما برای آنها چه؟ قطعاً نه ...! نمی دانم شاید هم راحت بتوانند علی اکبرشان را به قربانگاه بفرستند، ولی همسر بعد از من چه می شود؟ چطور به او بگویم؟

هم جبهه به من نیاز دارد هم خانواده ام. باید کدام یک را برگزینم؟ خدایا تو خوب می دانی که شیرینی دیدارتو خیلی وقت است طاقت ماندن را از من سلب کرده است، ای کاش ازدواج نکرده بودم، نه برای اینکه نمی توانم دل بکنم، نه! همه می دانیم که دل بستن به آخرت سعادت ابدی است، پس باید برویم، باید بمیریم قبل از اینکه ما را بمیرانند، پس می روم، می روم شاید نینوایی بیایم و در عاشورای زمان هدیه ناقابلی برای اسلام عزیز باشم، ولی نگران خانواده ام هستم اما نه! نباید نگران باشم. دوستان یک به یک دارند می روند و هرگز آنها را فراموش نخواهم کرد، خصوصاً آنهايي که کنار خودم جان دادند. مگر آنها خانه و زندگی همسر و پدر و مادر نداشتند؟ مگر برای آنها سخت نبود؟ چرا ... به والله قسم چرا ... پس به خاطر مسئولیت سنگینی که بردوشم است و از سنگینی آن کمرم تاب مقاومت ندارد باید بروم.

امروز حسین زمان ندای «هل من ناصر ینصرنی» سر میدهد. امروز فرزند فاطمه سلام الله علیها، با قامتی بلند در برابر تمامی ابرقدرتها ایستاده و نیاز به همت من و توی مسلمان دارد که به یاری اش بشتابیم. می روم تا به یزید و یزیدیان زمان بفهمانم که شهادت در راه مقدس، بالاترین آرزوی ماست. تا درسی باشد برای دنیای مادی که دیگر کسی جرأت فکر کردن به تجاوز به میهن اسلامی را در ذهن و سینه خود نپروراند».

امام حسین علیه السلام

بالاخره تصمیمش را گرفت و میان ماندن و رفتن، رفتن را انتخاب کرد و با این شرط از همسرش جدا شد که در آن دنیا هم همسرش باقی بماند و خدا می داند لحظه خداحافظی برهمسر و مادرش چه می گذشت، در آسمان ها چه غوغایی بود، چندین هزار فرشته که برای همراهی ابراهیم آمده بودند، می گریستند.

و در لحظات آخر که در قفس دنیا بود، همچنان زیر لب نجوا می کرد، بارالها! معبودا! تو مرا بیمارز زیرا گریزگاهی ندارم که بگیرم پس از تو می خواهم از لغزش هایم درگذری و از گناهانم که مرا گرفتار ساخته اند بیزاری می جویم و به تو پناه می آورم. خدایا در حال توبه ام، توبه ام را بپذیر. در حال پناهم، پناهم ده. خدایا تو مرا رسوا نکن، تو را می خوانم پس اجابت کن. الهی مرا به خاطر ناسپاسیم از خیر دنیا و آخرت محروم مگردان و گناهانم را که خودت می دانی ببامرز. خدایا من که شرمنده ام اما اگر تو مرا بیمارزی به سبب آن است که تو مهربان ترین مهربانانی.

و در آخر با اقتدا به مادرش و در اثر اصابت ترکش به پهلویش به عرش برکشید.

گفتنش خیلی راحت است ولی پای عمل که باز می شود آن وقت است که باید ببینیم چند مرده حلاجیم و می توانیم راحت دل بکنیم؟

یا اینکه در زندان دل اسیریم و در اینجاست که درجه ایمان هر کس سنجیده می شود.

قسمتی از وصیت نامه شهید: حب اهل بیت علیه السلام را در دل زنده کنید چرا که نجات دهنده ما در روز محشر اهل بیت علیه السلام هستند و لازمه ی دوستی اهل بیت علیه السلام این است که به عزاداری امام حسین علیه السلام اهمیت بدهید. مگر می شود دوستدار امام حسین بود ولی در مقابل جریان کربلا غمگین نشد؟ اگر غمگین نشوی بر خود شک کن که چرا قلبت شکسته نشده است؟

راهش پر رهرو باد...

دل گیرم از زمانه بیا مهربان من
بر لب رسیده بر غم ایام، جان من
دنیا مرا به بند اسارت کشیده است
رنگ قفس شده همه آسمان من
عمرم به سر شده و نشدم آنچه خواستی
باران شرم می چکد از دیدگان من
عشاق را به رنج و بلا آزموده اند
ای وای اگر فراق بود امتحان من
شب گرد فاطمه شب جمعه برای تو
شب های چهارشنبه ی هفته از آن من
یک شب به خاطر سفر کربلای تو
یک شب به خاطر سفر جمکران من
با خود ببر مرا سحر جمعه کربلا
تا تل زینبیه شوی روضه خوان من
با یک نگه برای دلم فتح باب کن
گردم فدایی تو امام زمان من



پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ره نمایی بزرگان

سخت گیری درانتخاب همسر حجه الاسلام علیرضا پناهیان



شما باید خیلی شنیده باشید که آدم باید درانتخاب همسر دقت کند. شما زیاد گوشتان را به این حرف ها ندهید. این از عجایب روزگار ماست! ببینید رفقا! ما در روایات داریم که انتخاب همسر مهم است اما نه آن قدری که درصدا و سیما می گویند! وقتی زیاد این حرف را توی صدا و سیما بزنند، مردم کم کم به انتخابشان شک می کنند، شک که کردند، راحت دعوا می کنند. راحت که دعوا کردند، راحت طلاق گرفته می شود. آمار طلاق درکشور ما خجالت آور است. انتخاب همسر اون قدرها هم مهم نیست، با هرکسی که ازدواج کردی او بهترین کسی بوده که خدا برایت انتخاب کرده! آقا این جا درقران می فرماید: ما زندگی انسان را خلق کردیم برای چی؟ زندگی ات را خلق کردیم برای امتحان، خب، خدا بداند تو داری می روی درخانه ای که رشدت ازبین می رود، نمی گذارد! انتخاب همسر، امری است که عجیب و غریب، مقدر شده است. استغاره هم نمی خواهد. هرکی می خواهد با کسی ازدواج کند، دورکعت نماز بخواند، بعدش صدبار بگوید: استخیرک یا الله... یک یا علی بگوید و برود جلو، سخت گیری نکن، هوای نفست دخالت نکند. سخت نگیری...

گاهی در این انتخاب همسرها این قدر گناه می شود. این قدر دل ها شکسته می شود، این قدر شک و تردید به خدا پدید می آید. انتخاب همسر، امری است که عجیب و غریب مقدر شده است. هرکسی نمی تواند باهرکسی ازدواج کند. درمسئله خانواده، قضیه را از انتخاب همسر شروع نکنید. مهم هست ولی زیادی به انتخاب درست اهمیت ندهید. آن وقت همه به انتخاب هایشان شک می کنند. مهم رفتار تو با خانواده ات هست. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند هرکسی می خواهد خدا را طیب و پاکیزه ملاقات کند با همسرش برود پیش خدا. هرکسی می خواهد با صفا و پاکیزه برود پیش خدا با همسرش برود.

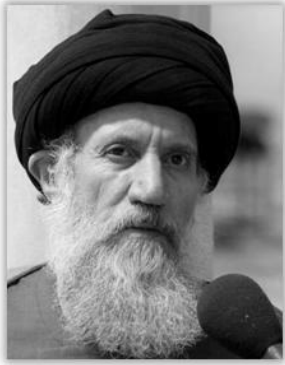
سورچران نباشید

ایت الله جوادی املی



درروایات آمده است: اگر سیر هستید، غذا نخورید. غذا خوردن درحال سیری استعداد را کم می کند. ازبیانات نورانی حضرت امیرمؤمنان این است که « لا تجتمع الفطنه والبطنه، یعنی فطانت و هوشمندی با پرخوری جمع نمی شود و پرخور هرگز خردمند نمی شود» زیرا تمام تلاش و کوشش روح او این است که غذاها را هضم کند و دیگر فرصت اندیشیدن ندارد. درست مثل اینکه شما یک انسان متخصص و دانشمند را به رفتگری درکوی و برزن بگمارید تا زباله ها را جمع کند. اگر کسی می تواند در کرسی یک استاد به تدریس بپردازد، چرا او را به رفتگری وا داریم؟ روح انسان می تواند یک استاد و مربی خوب باشد، حیف است که او را به تفکری جسم بگماریم.

غذایی که می خوریم، برای تبدیل به مواد جذبی و دفعی به زمان نیاز دارد که روح این کار را به واسطه بدن انجام می دهد. روح انسان سلسله ای ازقوای ادراکی و تحریکی را دراختیار دارد. قوای تحریکی روح هم ابزار فیزیکی ای چون معده، روده و قلب دارد. آن چه غذا را به صورت خون، عادلانه میان مو، ناخن، گوش، چشم و مژه و... تقسیم می کند روح انسان است. وجود مبارک امیرمؤمنان می فرماید: لا تجتمع عزیمة و ولیمة، بعضی انسان ها اهل سورچرانی هستند و دوست دارند هرروز میهمان یک نفر باشند. انسان سورچران اهل عزم و اراده نیست.



تا پاکیزه نباشی پاکیزه نمی دهند

استادفاطمی نیا

تا پاکیزه نباشی، پاکیزه نمی دهند، ظرفی که برای آب خوردن انتخاب می کنی باید پاک باشد. اگر من ظرف باطنم آلوده باشد این توقع درستی نیست که از خدا پاکیزه بخواهم. اول باید باطن را پاکیزه کنم. حالا چه کار کنیم درقدم اول باطنمان پاک شود؟ با خودت قرار بگذار به کسی پرخاش نکنی، غضب را در همین مجلس دفن کنی و بروی! الان ما زیارت می رویم، نماز جماعت می خوانیم و ماه رمضان روزه می گیریم پس چه می شود که توفیق نداریم و پیشرفت نمی کنیم؟ وقتی بررسی کنیم می بینیم ریشه تمام مشکلات، زبان است. با حرف کسی را می زنی یا غضب و پرخاش می کنی.

آیت الله بهاء الدین می فرمودند: پرخاش برکات زندگی را می برد. جوان عزیز! خدای نکرده به مادرت تند بگویی! روی رستگاری را نمی بینی، به پدر تندی کنی رستگار نمی شود. حلیم (صبور) بشویم! اگر بخواهیم از نعمت های باطنی بهره مند شویم باید ظرف درونمان پاکیزه باشد و ظرف درونمان وقتی پاک می شود که آلودگی ها را کم کنیم.

کسی به خواجه نصیرنامه نوشته بود. اول نامه خطاب به ایشان گفته بود: ایها الکل، یا ایها الکل، ابن کلب (ای سگ! ای سگ فرزند سگ) فلان مسئله علمی چطور است؟ خواجه نصیر هم در جواب نوشته بود که جواب مسئله این است و در آخر نامه نوشت: «اما صحبت تو درباره سگ. سگ حیوانی است که چهار دست و پا راه می رود و بدنش از مو پوشیده است، من دو پا دارم و آن طور نیستم و .. والسلام. تمام، نه پرخاشی، نه غضبی! ما بودیم می نوشتیم «خودتی»».

عیب نسازید، عیب نگذارید

سرکارخانم نیلچی زاده

اگر عیبی را دیدید، نباید به رخ طرف مقابل بکشید و او را سرزنش بکنید، چون سرزنش کردن جزء بی اخلاقی هاست. خداوند کسی را که سرزنش می کند تهدید عجیبی کرده است. اگر واقعاً عیبی در طرف باشد اعم از عیب اخلاقی و رفتاری، جسمی و خانوادگی و من او را به آن عیب سرزنش کنم در روایت از اهل بیت است که این بنده از دنیا نمی رود مگر اینکه به همان عیب آزمایش می شود.



یعنی نظام عالم هستی فوق العاده ویژه و دقیق است و اگر تو کسی را به واقعیت بدی که در او هست سرزنش کردی تو خود در همان چاله خواهی افتاد و نمی توانی از آن بیرون بیایی، ولی وای به کسی که به قول قرآن عیب جو است "وَلِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٌ" یعنی طرف عیب ندارد ولی برای اینکه بخواهد خود را تبرئه کند عیبی را روی دیگران بگذارد. این جا در حقیقت به بابی وارد شده است که خداوند می گوید وای بر تو! دیدید مادر با تمام مهربانی، زمانی که فرزند اشتباه بزرگی می کند می گوید وای به حال تو اگر دستم به تو نرسد. خدا می گوید وای به حال شما دست من به شما می رسد و بدجوری زمین خورید آن جا که باید خوبی های شما گل کند همه آن را بعنوان بدی در شما می بینند به خاطر این که بی جهت روی دیگران عیب گذاشتید. بدترین نوع عیب گذاری، عیب گذاری روی دخترهای پاکدامن و عقیف در مراسم خواستگاری است.

توصیه هایی ارزشمند برای زوجین

توصیه های رهبری درباره حفظ خانواده و زندگی زناشویی:

بروید با هم بسازید.

"از هر چیزی که محیط خانواده را متشنج و دچار افسردگی و هیجان های بی مورد نماید اجتناب کنید. هم زن و هم مرد بنا را بر سازش و هم زیستی و همراهی بگذارند آنچه در خانواده خیراست و وجود دارد، مال زن و شوهر است و در نهایت مال فرزندان است. مال یک طرف نیست. اگر خدای ناکرده در محیط خانواده بی محبتی و عدم اطمینان و صمیمیت باشد رنج مال هر دو طرف است."



۱۴ اصل تربیتی از زندگی مشترک حضرت زهرا سلام الله علیها و امیرالمومنین علیه السلام

اصل اول (اصل خدا محوری و عبادت خانوادگی: در زندگی مشترک حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها تمام اعضای خانواده عاشق و شیفته پروردگار بودند، به فرموده علی علیه السلام : هرگاه خداوند بخواهد بنده را گرامی بدارد، او را گرفتار عشق و محبت خویش می گرداند.^۱

آتش عشق پروردگار آن خانه را غرق نور الهی و اعضای آن را شیفته و حیران پروردگار ساخته بود در آن خانه ملکوتی اتاقی ویژه نماز و مناجات با پروردگار بود. ابن ابی الحدید دانشمند بزرگ اهل سنت می نویسد: علی عابدترین و پرنمازترین مردمان بود و از همه بیشتر روزه می گرفت.^۲ حسن بصری درباره عبادت محوری حضرت فاطمه می گوید : در دنیا عابد تر از فاطمه یافت نمی شود. او به حدی برای نماز و عبادت برپا می ایستد که پاهایش ورم می کرد.^۳

حضرت فاطمه سلام الله علیها هر شب پس از فراغت از وظایف خانه داری چنان خائفانه و خالصانه برسجاده به نماز می ایستاد که پروردگار بدان برملا نکه خویش مباحثات می فرمود : ملائکه من اینک برسور کنیزانم فاطمه نظر کنید. بدرگاه من ایستاده در حالی که بندبند وجودش از خوف من مرتعش و لرزان است . او با تمام وجودش به عبادت من روی نهاده است. اینک شما را گواه می گیرم که پیروان و شیعیان او را از آتش ایمنی بخشیدم.^۴

اصل ۲) اصل قرآن گرایی : روح و جان اعضای این خانواده با قرآن عجین گشته و تمام اخلاق و مرام اعضای خانواده فاطمی، قرآنی گشته بود، تلاوت قرآن پدر خانواده، چنان در اوج بود که درباره او گفته اند : « به خدا هیچ قریشی را ندیده ایم که بیش از امام علی علیه السلام قرآن بخواند»^۵

۱ . (سیدرضی، نهج البلاغه، حکمت ۳۶۸)

۲ . (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۷)

۱ . (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۵، ح ۶۲).

۴ . (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۸) .

۰ . (سنن امام علی (ص ۱۲۴) .

حضرت زهرا سلام الله علیها به طور شبانه روز با قرآن انس و رفاقت داشته و به تلاوت آن عشق می ورزیدند و می فرمودند :
قرائت کننده سوره های حدید و الرحمن و واقعه در آسمان ها ساکن فردوس خوانده می شود^۱.

اصل (۳) ساده زیستی و زهد خانوادگی : فاطمه زهرا سلام الله علیها در طول زندگی خویش همواره دعوت کننده به سوی وارستگی از دنیا و دل سپاری به خدا بود. اما نه دعوتی با زبان، که دعوت با تمام وجود و در عمل. دعوتی که ارزش و تأثیرش در هدایت و تربیت پیروان از هزاران دعوت زبانی بیشتر و مؤثرتر است.

اصل (۴) اصل ایثار و انفاق خانوادگی: در ایامی که فدک در اختیار حضرت زهرا بود ، تمام درآمد آن که سالیانه بین ۷۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ دینار طلا بود^۲، تقدیم آن حضرت می شد، اما آن حضرت تنها به اندازه کفاف و ضرورت خانواده از آن بر می داشت و بقیه را بین نیازمندان مدینه تقسیم می فرمود. بدین سان روزی که درآمد فدک به طور ماهیانه تسلیم حضرت زهرا سلام الله علیها می شد، روز جشن و سرور فقیران مدینه بود.

اصل (۵) اصل پاک نگه داری محیط خانه و خانواده از گناه بالاترین هنر بانوی یک خانه، حفظ محیط خانه و اعضای خانواده از حرم الهی است تا همیشه و در همه حال ارتباط خانواده و اعضای آن با عالم ملکوت برقرار باشد و این هنری است که حضرت فاطمه آن را به اوج تجلی رسانده است. آن حضرت در آخرین وصیت های خویش به علی علیه السلام بر این معنا تأکید ورزیده است : پسر عمو جان، تا در خانه تو بودم، دروغی نگفتم، خیانتی نکردم و از دستورات الهی تو هیچگاه گامی فراتر ننهادم.^۳

اصل (۶) اصل جهادی و فدایی بودن تمام اعضای خانواده
فاطمه سلام الله علیها به همراهی همسرش علی علیه السلام تمام وجود زندگانی خویش را وقف خداوند و رضایت او کرده بود، یگانه خانواده ای که تمام اعضای آن فدائیان راه خدا بودند و در این راه تمام آبرو، دارایی و جان خویش را تقدیم داشتند، خانواده، علوی فاطمی، بوده است.

اصل (۷) اصل دفاع همه جانبه از حریم ولایت و امامت
فاطمه سلام الله علیها شیداترین پروانه شمع امامت بود. پروانه عاشقی که با سوختن و فدا سازی خویش، به همگان آموخت که امام برحق چونان کعبه است . کعبه ای که مردم بایستی برگردش طواف نمایند. نه او برگرد مردم. این فاطمه بود که یگانه ترین اسوه دهی را در همراهی با ولایت ادا ساخت، همو که پهلویش شکست و در خون نشست، اما لحظه ای از یابوری ولی امر خویش از پای نشست، همو که با فریادهای جگرسوز خویش، زیباترین شعار ولایت مداری را در گوش جان پیروان خویش طنین انداز ساخت. ای ابوالحسن ! روح به فدای روح تو جانم سپر بلای تو ! همواره همراه تو خواهم بود، چه در خیر و نیکی، به سربری و چه در سختی و بلا گرفتار شوی !^۴ پیشتازترین ، خالص ترین و کاری ترین حمایت گر ولایت و امامت، فاطمه سلام الله علیها بود و همان است که باید مقتدا و اسوه مادر عرصه ولایت محوری، محبت شناسی و حجت مداری در این برهه از زمان واقع شود.

ادامه دارد....

گردآوری: زهرا یزدانی



۱ . (صحیفه زهرا ص ۲۷۶ و ۲۷۸)

۲ . (علامه مجلسی ، بحار ج ۴۹ ، ص ۱۱۸)،

۱ . (علامه مجلسی ، بحار الانوار، ج ۴۳ ، ص ۱۹۱) .

۴ . (حائری مازندرانی، محمد مهدی، کوکب الدری، ج ۱، ص ۱۹۶) .

مهدی عجل الله تعالی فرجه و شریف بخشنده ای است که مال را به فراوان می بخشد و بر مسئولین امور، بسیار سخت گیر و بر بینوایان رؤف و مهربان است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

چگونه برای امام عصر دعا کنیم ؟

اینکه انسان با کدام کلمات و واژگان و با چه ادبیات و محتوایی با خدای خود نجوا کند؛ بسیار مهم است و در تأثیر پذیری و بهره مندی نقش فراوانی دارد. بدون شک آدمی هرچه کاملتر و از نظر مقام روحانی، بلندتر باشد با پروردگار عالم ارتباط بهتری برقرار می کنیم زیرا شناخت انسان کامل از خدا سبب می شود که در دعا خدا را چنان که شایسته اوست ستایش کند و معرفت او نسبت به نیازهای انسان، موجب می شود که در دعا، عالی ترین و ثمربخش ترین خواسته ها را از درگاه لطف و کرم او بخواهد؛ به همین دلیل دعاها و مناجات های معصومان گنج گرانها و پایان ناپذیر است که در دسترس پیروان اشیا است.

دعا کردن برای امام مهدی گرچه با هر زبان و بیانی با یک فرصت بزرگ و توفیق ارزشمند است، ولی آنگاه که ازسوز و گداز امام معصوم برای نجوای یا مهدی علیه السلام بهره بگیرد، به یقین بهره های بی پایان معنوی می بری و نیز از چشمه جوشان معرفت ایشان، درهای مهدی شناسی در ابعاد گوناگون به رویت بازمی شود.

آثار معرفتی دعا برای امام زمان :

از آنجا که دعای معصومان علیه السلام از قله علم و معرفت الهی ایشان سرچشمه می گیرد و بر قلب طاهرو لسان صادق ایشان جاری می شود درجای جای آن ، عقاید و معارف حق بیان شده است، که خوانند دعا از این جاری زلال و سیراب می کند: در اینجا برخی از معارف بلند این دعاها را ذکر می کنیم :

الف) مروری بر اعتقادات حق که هویت مکتبی و دینی ماست :

مانند آنچه در زیارت آل یاسین آمده احراز به مبدأ و معاد و پیامبر و جانشینان برحق او:

اشهدک یا مولای اُنّی اُشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له ، و اُن محمداً عبده و

رسوله و ... اشهدک یا مولای اُن علیاً امیرالمومنین حجتُهُ والحسن و حجتُهُ والحسین حجتُهُ ... و اُشهد انک حجه الله ... و اُن رجعتکم حقاً ... و اُشهد انّ الشر حق و الجنة والنار حق .

ب) مروری بر وظائف و تکلیفات شیعیان نسبت به امام

در ضمن دعاها ، معرفت بیشتر و عمیق تر درباره وظایف ما نسبت به امام بدست می آید که این معرفت، مقدمه عمل و رفتار مطلوب و حرکت در مسیر رضایت امام خواهد بود. در پایان دعای ندبه می گوئیم:

واجعلنا مَعنِ باُخذ بحجزتهم و یمکت فی ظلمهم. و اَعنا علی تأدیه حقوقه إلیه و الاجتهاد فی طاعه و اجتناب معصیته و من علینا برضا.

این فرازاها به روشنی، گویای این حقیقت است که شیعه امام منتظر بیش از هر چیز باید در پی ادای حقوق امام و جلب رضای او باشد و بکوشد که از مسیر اطاعت او به وادی نافرمانی امام منحرف نشود بلکه پیوسته به ولایت آنها متمسک باشد . و درحزب امام به سر برد.



مردم امام خود را نیابند. امام در موسم حج حاضر شود و او آنها را می بیند ولی آنها (مردم) او را نمی بینند.
امام صادق علیه السلام

ج) شناساندن جایگاه الهی امام و اوصاف و مقامات او

این بخش در بسیاری از دعاها و زیارات وجود دارد؛ مانند فرازهای نخست زیارت آل یاسین و فراز هایی از دعای افتتاح
اللهم اجعلهُ الداعیَ إلی کتابک و القائمَ بدینک... اللهم أظهر به دینک و سنه نبیک حتی لا یستخفی بشیء من الحق
مخافه أحدٍ من الخلق

و فرازهایی از دعای امام رضا علیه السلام :

اللهم فإننا نشهدُ له .. أنه الامام التقی الیهادی المهدی الطاهر التقی الوفی الرضیُّ الزکی

د) ترسیم معیار حق باطل

در متون ادعیه و زیارات معصومان برای حق و باطل معیارهایی روشنی بیان شده است کما سالک الی الله و پیرو مخلص اهل بیت
علیه السلام در فتنه ها و آشوبها حق را کم نکند و به وادی باطل سقوط نکند.

در زیارت آل یاسین می خوانیم :

فالحق ما رضیتموه والباطل ما استختموه و المعروف ما أمرتم به والمنکر ما نهیتم عنه

هـ) ترسیم جهان پس از ظهور

بدون تردید آگاهی از زیبایی های دوران ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه شریف شور و شوق منتظران را به ظهور، دو چندان
می کند و ترسیم آن دوره در کلام معصومان علیه السلام در قالب دعا و زیارات اثر عمیقی بردلها دارد.

در دعای افتتاح می خوانیم :

اللهم إنا نرغبُ إلیک فی دوله کریمه تعزُّ بها الإسلام و أهله و تذلُّ بها النفاق و أهله

و در دعای ندبه می خوانیم :

أین المنتظر لأقامه الأمتِ والعوج و أین المرتجى لإزاله الجور و العدوان، أین المدخر لتجدید الفرائض والسنن... أین
المؤتمل لإحیا کتاب وحدوده أین محیی معالم الدین و أهله... أین معز الأولیاء و منذل الأعداء أین جامع الكلمه علی
التقوی؛

گردآوری: سیده زهرا هاشمی

اللهم عجل لفرجنا

سماز ابریزیادی

رهنمود های ناب

آیت اله بهجت (ره) : ما آمده ایم زندگی کنیم تا قیمت پیدا کنیم نه اینکه به هر قیمتی زندگی کنیم. زندگی ما حکایت یخ فروشی است که از او پرسیدند: فروختی؟ گفت نه ولی تمام شد.

۱. ره نمودی برای آرامش دل : از آیت اله بهجت پرسیدند: کدام ذکر برای آرامش دل مؤثرتر است ؟ فرمودند: احساس حضور خدا در همه دل، همه مسائل را حل می کند. درجایی دیگر فرمودند: دست راست را روی قلب نهادن و قرائت سه بار سوره اشراخ ، برای آرامش دل ، مفید است.

۲. ره نمودی برای رسیدن به تمرکز: ایشان می فرمایند تمرین شهود و باور کردن احاطه حضرت حق بر همه چیز و توجه به این معنا که خدا در هر حال و هر جا با انسان است، موجب تمرکز می گردد.

۳. ره نمودی برای تشریف به محضر ولی عصر (عج) : از ایشان دستورالعملی برای تشریف به محضر امام عصر پرسیدند، فرمودند: ماهی که نخستین روز آن جمعه باشد، بعد از نافله صبح و نماز صبح، در اول وقت ، ۲۵۶ بار آیه نور را خواندن تا پانزده روز پس از آن تا پانزده روز دیگر ۲۵۶ بار گفتن ذکر لا اله الا الله.

۴. رهنمودی برای امنیت و سلامت: الف - در این باره توصیه کرده اند: در هر صبح و شام این دعا ترک نشود و مقصود همه اهل ایمان باشد: «اللهم اجعلنی فی درعک الحصینه الّتی تجمل فیها من ترید» ب- همچنین توصیه کرده اند : همیشه قرآنی را همراه داشته باش.

۵. رهنمودی برای کسب روزی حلال : آیت اله بهجت فرموده اند: یکی از کسی که کیمیا خواسته بود، گفته بود، بگو: اللهم اغثنی بحلالک عن حرامک / ما راست بگو..

۶. رهنمودی برای علاج و سوسه های اعتقادی : از آیت اله بهجت درباره درمان و سوسه های اعتقادی پرسیدند، فرمودند: زیاد گفتن لا اله الا الله علاج آن است

۷. رهنمودی برای پیدا شدن گم شده: ایشان فرمودند: أصبحت فی امان الله، أمسیت فی جوار الله « هفت بار، برای پیدا کردن گم شده خوب است . یکی می گفت با کسی کار داشتیم، نه اسمش را می دانستم و نه جایش را. از صبح تا عصر این ذکر را تکرار کردم خودش آمد. و باز فرمود : خواندن آیه ۷۰ از سوره حج، ۲۰۲ بار ، نیز برای پیدا شدن گم شده خوب است.

۸. رهنمودی برای ابطال سحر: اولین راهکار : ۱- بستن حرز جواد به بازو ۲- ختم سوره واقعه ۳. ۳- نماز روز پنجشنبه ، چهار رکعت است، در رکعت اول حمد و ۱۱ مرتبه توحید، در رکعت دوم حمد و ۲۱ مرتبه توحید و در رکعت سوم حمد و ۳۱ مرتبه توحید و در رکعت چهارم حمد و ۴۱ مرتبه توحید. هر دو رکعتی یک سلام دارد و نماز گزار پس از سلام رکعت چهارم سوره توحید را ۵۱ بار و صلوات ۵۱ بار می خواند بعد به سجده می رود و صدبار می گوید، یا الله و دعا می کند.

۹. رهنمودی برای حل مشکل : ایشان می فرمودند: این موارد را مراعات و عمل کنید، تا انشالله مشکل برطرف گردد. (۱) قرآن کوچکی را همیشه همراه داشته باشید. (۲) معوذتین را بخوانید و تکرار نمایید (۳) آیه الکرسی را بخوانید و در منزل نصب کنید. (۴) چهار قل را بخوانید و تکرار کنید، خصوصاً وقت خواب . (۵) در موقع اذان، با صدای نسبتاً بلند اذان بگویید. (۶) روزی پنجاه آیه از قرآن کریم با صدای نسبتاً بلند بخوانید .

برگرفته از کتاب زمزم عرفان محمد محمدی ری شهری

۱ . علامه مجلسی برای گشایش در کارها، افزایش روزی و رفع گرفتاری ها و مشکلات از امام سجاد علیه السلام نقل کرده اند که "شخصی گرفتار در ماهی که روز اول آن دوشنبه باشد شروع به خواندن سوره واقعه کند در روز اول یک مرتبه و در روز دوم دو مرتبه بخواند تا روز چهاردهم که چهارده مرتبه سوره واقعه را می خواند و چون به پنجشنبه رسید دعای است که شرح آن در بحار الانوار، جلد ۹۰ صفحه ۳۱۵ ذکر شده است."

چرا طلبه شدم؟؟؟

طلبه شدم تا ...



طلبه شدم تا با تلنگرهای هر لحظه باغبان گلستان عشق، وجودم را از آفت های روزگار سم پاشی کنم. و هنگام عبور از کنار گلپای کاکتوس مراقب خارهای غیبت باشم. مراقب باشم بادهای سوزان دروغ و تهمت مرا با خود راهی کوره های آتش دوزخ نکنند.

طلبه شدم تا تاریکی جهل را با نورایمان خنثی کنم. درس عاشق شدن را از مدرسه عشق یاد بگیرم و آن را با شبنم های بلورین محبت معشوق تزئین کنم.

طلبه شدم تا به دنیا بگویم در گلستان اهل بیت علیه السلام لکه های سیاه گناه را با بارش اشک های شبانه شستشو می دهم و در چشمه قرآن وضو می سازم، آنگاه پیراهنی از تقوا برتن کرده و رهسپار کوی عبودیت می شوم.

طلبه شدم تا با بندگی، آب کنم شمع وجودم را از تمام چیزهایی که حجاب می شود بین عاشق و معشوق، باطنین یا الله یا الله یا الله گفتن در عمق سکوت شد.

طلبه شدم تا پیچک معصومین علیه السلام را به ذره ذره از سلول های جسم زمینی ام گره بزنم و سجاده ای بیافم به نورانیت نور و عطر شبانه ی نیاز تا روحم رسم عاشق شدن را از غربت غربی آقا در فصل انتظار به نظاره بنشیند و آنگاه دستانم را با اخلاص به سوی معبود بلند می کنم و با تمام وجود فریاد می زنم: اللهم عجل لولیک الفرج.

جان جانان بلرت

حکمش نخب امام زمان است

و پاکتین رهبر جهان است

قدربت سی می جانش بکلمه سوره فی ان است

طلیحات حیدر دشتان بلرت

ام اشعی ع...!

صبور و قهرمان بلرت

هدف ما از زندگی ان رهبر است، فقط طمان است

زندگی هم چون ملت حان است

کسی قبول می شود یک میرو خ طشیدان است

پیروی از الهی و وصیت آن است

ملت آخری است اده طم..

لیکی خ افیه ای

